

ویژه‌نامه دکتر سید عبدالله محمودیان



ویژه‌نامه‌ای جهت ادای احترام به مرحوم دکتر سید عبدالله محمودیان

انالله و انا الیه راجعون

قال رسول الله (ص)

إذا مات العالم الفقيه ثلم فی الاسلام ثلثة لا یسدها شیء

وقتی عالمی فقیه، فوت کند در اسلام رخنه و حفره‌ای ایجاد می‌شود که هیچ چیزی نمی‌تواند جای آن را پر کند.



مرحوم استاد دکتر محمودیان، رئیس سابق انجمن ریاضی ایران

چندباره خدمت خانواده محترم، همکاران عزیز و جامعه ریاضی ایران، امیدواریم عرض تسلیت ما باری از آلام بکاهد و دعا می‌کنیم روح این استاد عزیز در آرامش باشد.

دکتر محمودیان به معنای واقعی کلمه «ویژه» بود. بدین سبب چندروز پس از درگذشت این استاد عزیز، پیشنهاد تهیه ویژه‌نامه‌ای در خبرنامه انجمن داده شد. لازم می‌دانیم از همه عزیزانی که مطالب خود را به خبرنامه ارسال نمودند، تشکر کنیم. ضمن عرض تسلیت



پیام تسلیت وزیر علوم در پی درگذشت چهره ماندگار ریاضی کشور

حسین سیمایی *

تلاش‌های صادقانه مرحوم دکتر محمودیان است که ضمن تربیت شاگردان و تالیف و ترجمه کتاب، با حضور در نهادهای علمی همچون انجمن ریاضی، انجمن رمز ایران و فرهنگستان علوم، در ترویج رشته ریاضی در کشور نقشه برجسته ای ایفا کرد و در آماده‌سازی تیم‌های ایران برای شرکت در المپیادهای جهانی ریاضی نیز بسیار کوشا بود. آرزومندم روح پاک آن استاد شاخص و چهره ماندگار علوم ریاضی که همه عمر پربرت خود را صرف علم و دانش کرد، قرین رحمت بیکران الهی باشد.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد

انا لله و انا الیه راجعون
شنیدن خبر درگذشت همکار ارزشمند و گرانقدر دکتر سید عباداله محمودیان، عضو هیئت علمی گروه ریاضی دانشگاه صنعتی شریف و چهره ماندگار این رشته موجب تأثر و تألم فراوان اینجانب شد. این ضایعه تلخ را به خانواده محترم و داغیده آن مرحوم مغفور و نیز جامعه دانشگاهی کشور، همکاران، استادان و دانشجویان و شاگردانش در دانشگاه صنعتی شریف، صمیمانه تسلیت می‌گویم و از درگاه پروردگار متعال برای آن چهره برجسته علم و دانش، علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواهانم. قطعا جامعه علمی کشور مرهون

پیام تسلیت معاون اول رئیس‌جمهور در پی درگذشت دکتر سید عباداله محمودیان

محمد رضا عارف *

بسیاری در ارتقاء علم و دانش این مرز و بوم داشتند و نامشان همواره در خاطر مردم باقی خواهد ماند. این فقدان بزرگ را به خاندان معزز محمودیان، جامعه علمی و دانشگاهی کشورمان تسلیت عرض می‌کنم و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان معزز صبر، اجر و سلامتی مسالت دارم.

انالله وانا الیه راجعون
درگذشت چهره ماندگار ریاضی ایران، جناب آقای دکتر سیدعباداله محمودیان باعث غم و اندوه دوستداران ایشان شد. دکتر محمودیان عمر پر بار خود را وقف علم و خدمت به جامعه نمود و یاد و خاطره ایشان، با تمام مهربانی‌ها، تلاش‌های بی‌دریغ و نگاه پرامیدشان به آینده، همواره در قلب‌های ما زنده خواهد ماند. ایشان از موسسان انجمن رمز ایران است که با فعالیت مستمر و خستگی‌ناپذیری، سهم

بیانیه انجمن ریاضی ایران در پی درگذشت دکتر سید عباداله محمودیان

این، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ایشان در آماده‌سازی تیم‌های المپیاد ریاضی ایران و تألیف آثار علمی ماندگار، گواهی بر تعهد و عشق عمیق ایشان به پیشرفت دانش و بالاخص ریاضیات در ایران بود.

نام و یاد ایشان، علاوه بر جایگاه علمی ممتاز، همواره به‌عنوان الگویی از مهربانی، تلاش بی‌دریغ و نگاه پرامید به آینده بی‌گمان هم در خاطره‌ها و هم در آثار مکتوب باقی خواهد ماند. این ضایعه بزرگ را به جامعه علمی کشور و خانواده گرامی ایشان تسلیت می‌گوییم و از درگاه خداوند برای روح بلندشان رحمت بیکران را خواستاریم و برای بازماندگان او صبر و آرامش را آرزو خواهیم کرد.

نام و یادشان همواره جاویدان و گرامی باد.

با نهایت تأسف و تأثر، درگذشت چهره ماندگار ریاضی کشور و استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر سید عباداله محمودیان، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف و از چهره‌های برجسته و اثرگذار در جامعه علمی ایران، را به خانواده محترم ایشان، همکاران، دانشجویان و همچنین تمامی جامعه ریاضی کشور تسلیت عرض می‌کنیم.

دکتر محمودیان عمر پربرکت و درخشان خود را در تلاش مداوم برای گسترش دانش و تربیت نسلی از اندیشمندان ریاضی سپری کرد. ایشان با فعالیت‌های ماندگار در نهادهای علمی همچون انجمن ریاضی ایران، انجمن رمز ایران و فرهنگستان علوم، نقشی فراموش‌ناشدنی در ارتقای جایگاه ریاضیات در کشور به جای گذاشت. بیش از

پیام تسلیت رئیس پیشین انجمن ریاضی ایران

محمد صالح مصلحیان*

که ایشان با جوان‌ها بسیار مهربان بود، میدان فعالیت را برای آنها باز می‌کرد و مثل یک پدر همیشه همراه و یاورشان بود. یاد و خاطره این مرد بزرگ همیشه در دل‌های ما دوستدارانش باقی است.

روحش شاد و قرین رحمت الهی باد.

* دانشگاه فردوسی مشهد

واز درگذشت استاد عزیز، دکتر عباداله محمودیان بسیار متأسف و اندوهناک شدم. در مدت نسبتاً کوتاهی که ایشان رئیس انجمن بودند به من که یک عضو علی‌البدل شورای اجرائی انجمن بودم، اولین مسئولیت رسمی‌ام در انجمن که سردبیری خبرنامه بود، واگذار شد. هر بار که به تهران می‌آمدم مرا دعوت می‌نمود که مستقیماً از فرودگاه به دفتر ایشان در دانشگاه شریف بروم. همیشه با گشاده‌رویی منتظرم بود و در موضوعات مختلف علمی و اجتماعی با من گفتگو می‌کرد. به‌نظرم یک ویژگی مهم که شاید از نظرها دور مانده است، این بود

خداحافظ ریاضی دان

نوشته ای کوتاه در یادبود مردی بزرگ

امیدعلی شهنی کرمزاده*

سال‌های سخت ایران و شیرین ما

عباداله محمودیان متخصص نظریه گراف بود و اغراق نیست اگر بگویم بیشتر پژوهشگران امروز نظریه گراف بی‌واسطه یا باواسطه دانشجوی او بوده‌اند. بنیان‌گذار نظریه گراف در ایران، آقای دکتر بهزاد بود، اما محمودیان پایه‌های آن را در ایران محکم کرد و دانشجو تربیت کرد. عباداله از آن دسته استادانی بود که وقتش را با دانشجویش می‌گذراند؛ به حرف‌هایشان دل می‌داد و حامی آنان بود. استاد واقعی چنین است؛ وگرنه امروزه متن درسی را می‌توان از کتاب‌ها و دوره‌های آموزشی آموخت. کار استاد، ارتباط فکری و قلبی با دانشجویش است که او را برای فردا روز که خودش نیست، آماده سازد و محمودیان چنین استادی بود. دوست دارم گوشه‌ای از خدمات دکتر محمودیان را بازگو کنم که شاید بسیاری از آن بی‌خبر باشند. در ایران و پس از سال‌های پر آشوب نخستین پس از انقلاب که دانشگاه‌ها باز شده بود، پس از سال‌ها، المپیاد ریاضی به‌راه افتاد. در سال‌های نخست، من بودم و یکی دیگر از همکارانم که موتور المپیاد ریاضی را روشن کردیم. سپس کسانی همچون عباداله به ما پیوستند و جانانه به نسل نوجوان ریاضی دوست خدمت کردند. از آن سال‌ها خاطرات خوبی داریم. محمودیان با آن روی گشاده، در کنار بچه‌هایی بود که چشم و چراغ ریاضی ایران بودند. بچه‌های نوجوانی که گاهی از روستایی دورافتاده بودند و بسیار خجالتی. محمودیان با آنان هم دوست بود و هم برایشان آموزگار. برایشان مسئله طرح می‌کرد، مسئله حل می‌کرد و همراهشان بود. یادش به‌خیر آن سال‌هایی را که تیم المپیاد را سرپرستی می‌کردیم و وجود محمودیان شیرین‌کننده روزهای برگزاری المپیاد بود. سال‌های نخست المپیاد ریاضی را با امروز مقایسه نکنید که منابع بسیار است و اینترنت در دسترس؛ آن زمان نه بودجه کافی بود و نه منابع کافی. و در آن شرایط بود که محمودیان برای المپیاد سوال و کتاب آماده می‌کرد. از یاد نبریم که او استاد دانشگاه صنعتی شریف هم بود و در آنجا هم باید مسئولیت‌هایش را به پیش می‌برد. کم نیستند استادانی که می‌توانند برای تربیت نسل فردا در کارهایی همچون المپیاد گام بردارند؛ اما در اتاق‌هایشان را بسته‌اند و جز به مقاله نوشتن نمی‌اندیشند. اما محمودیان تا روزی که زنده بود، چنین نبود.

چندی پیش یکی از بهترین دوستانم و یکی از برجسته‌ترین ریاضی‌دانان کشور چشم از جهان فرو بست. عباداله محمودیان، دوست دیرینه‌ام که ریاضی‌دان درجه یکی بود، ناگاه و به‌دلیل بیماری در ۸۱ سالگی ما را ترک کرد؛ اما یادش و میراث بزرگش همراه ماست و در آسمان ریاضیات ایران همواره خواهد درخشید.

سال‌های خوش آشنایی

به سال‌های دور باز می‌گردم. آشنایی من با عباداله محمودیان به زمان بازگشت او به ایران بازمی‌گردد. عباداله در دانشگاه تهران کارشناسی و در دانشگاه شیراز که آن زمان نامش دانشگاه پهلوی بود، کارشناسی ارشد را خواند. سپس به آمریکا رفت و در پنسیلوانیا دکترای ریاضی گرفت. آن زمان باور دانش‌آموختگان ایرانی چنین بود که دوست داشتند پس از درس خواندن به میهن بازگردند و خدمت کنند. چنان‌که پیش از او هم کسانی همچون پروفیسور هشترودی به ایران بازگشتند و برای ریاضیات کشور از جان مایه گذاشتند. عباداله محمودیان را سال‌های خیلی دور، ۱۳۵۴-۱۳۵۳ نخستین بار دیدم و دوستی‌مان از آنجا ریشه گرفت. همیشه باهم در تماس بودیم و آخرین بار که حضوری او را دیدم، کنفرانس پنجاه و چهارم ریاضی در زنجان بود. در آن کنفرانس نوه‌ام را هم برده بودم و چقدر از عباداله چیزهای شیرین و آموختنی یاد گرفتم. نوشتن از عباداله محمودیان، سهل و دشوار است. سهل از آن جهت که انسانی صادق و زلال بود و دشوار از آن‌سو که چندوجهی بود. من با دکتر محمودیان روزها و شب‌های ماندگاری را داشتم و هر دو در نهایت افتخار عمری را در خدمت میهن بودیم که بیش از هر چیزی به آن می‌بالیم. محمودیان بسیار خوش‌رو و خوش‌اخلاق بود؛ آن‌چنان که وقتی با او در مسافرت و سفر و سمیناری بودید، چنان روحیه‌ای داشت که آن سفر برای همراهان با تمام سختی‌هایش دل‌نشین و گوارا می‌شد. من امروز که در حال نوشتن این یادداشت هستم، اگرچه می‌دانم مرگ در سنین من و هم‌سالان من چیز غریبی نیست؛ در دل اندوهی بزرگ را در غم از دست دادن رفیق دیرینه‌ام حس می‌کنم و تلاش دارم خیلی کوتاه برای نسل جوان بگویم او چه کرد و چه میراثی برجای گذاشت.

میراث ماندگار عباداله

ریاضیات ایران و جهان می‌درخشد. بسیاری مریم میرزاخانی را با مدال فیلدز می‌شناسند و او را از زمانی به یاد دارند که در آمریکا خوش درخشید. اما برای شناختن دقیق‌تر مریم میرزاخانی باید به سال‌هایی بازگردیم که او دانش‌آموز بود. در آن سال‌ها، عباداله محمودیان یکی از آن کسانی بود که نه تنها استعداد او را کشف کرد، بلکه به شکوفایی مریم کمک کرد. پیش از دانشگاه و در زمانی که میرزاخانی فقید در دانشگاه شریف بود، با محمودیان کار علمی کرد. آری عباداله محمودیان، یکی از کسانی بود که در پروراندن مریم میرزاخانی نقش داشت. در پایان می‌خواهم فقدان این استاد گران‌مایه را به جامعه علمی ایران و خانواده عزیزش تسلیت بگویم و یادآور شوم که خوشا به حال کشوری که فرزند برومندی همچون عباداله داشت. اگرچه خودش در میان ما نیست، اما میراثی برجای گذاشته که کودکانی که امروز تازه اعداد را در دبستان‌های ایران می‌آموزند، از آن بهره خواهند برد.

نامش بلند باد در دفتری که در آن نام دانایان و میهن‌دوستان ایران را می‌نویسند.

* دانشگاه شهید چمران اهواز

دوست دارم مرگ غمناک عباداله محمودیان را به درسی از زندگی این رفیق شفیق و ریاضی‌دان عزیز کشورمان بدل کنم و بگویم از او چه می‌توان آموخت. بسیاری از ریاضی‌دانان در کشورهای خودشان و حتی در جامعه ریاضی کشورشان اثربخش نیستند. سال‌های کاری را به نوشتن مقاله و گاهی کتاب اختصاص می‌دهند و از صحنه کنار می‌روند، بی‌آنکه مستقیم درگیر تربیت نسل بعد از خودشان شوند و به فکر کارهای بزرگ و ملی باشند. عباداله محمودیان چنین نبود. او به فکر ریاضیات ایران بود و برای ارتقای آن، چه در المپیاد و چه در دانشگاه زحمت کشید. گاهی در کشوری، در برهه‌هایی از زمان فرزندان ظهور می‌کنند که منشأ بسیاری از کارهای بزرگ می‌شوند. عباداله محمودیان و چند دوست دیگرش که همگی روی شانه‌های ریاضی‌دانان پیش از خود و معلمان دبیرستان‌های آن زمان بودند، همان فرزندان رشیدی بودند که با دست خالی و دل‌های استوار از مهر میهن و دانش بالا، ریاضیات ایران را بالا بردند. اجازه می‌خواهم در بخش پایانی این نوشته، به یکی از ماندگارترین میراث‌های عباداله محمودیان عزیز بپردازم. نام مریم میرزاخانی در آسمان

در مورد مرحوم دکتر محمودیان

بیژن ظهوری زنگنه *

دانش‌آموزان دبیرستان بودند، آشنا شدم. با افراد متفاوتی به‌وسیله ایشان آشنا شدم، که خیلی جالب و خاطره‌انگیز بود. از ایشان خیلی چیزها به‌خصوص درباره استفاده از نرم‌افزارها یاد گرفتم. ایشان خیلی پرانرژی و دارای شوق یادگیری و یاددهی بودند. من و آقای تابش ایشان را تشویق کردیم که رئیس دانشکده شوند. در زمان ریاست دانشکده بودن ایشان، مرا معاون تحصیلات تکمیلی و همین‌طور مسئول برنامه‌ریزی درسی در دانشکده کرد که ثمره این برنامه‌ریزی که با همکاری خود ایشان و همه همکاران دانشکده به‌خصوص دکتر شهشهانی انجام شد، تهیه برنامه‌ای مدرن و مناسب برای دانشکده و دانشگاه بود. ایشان خصوصیات یک استاد خوب، مانند شاگردپروری، شوق تدریس و یادگیری و پژوهش را همیشه داشته و دارند.

دکتر محمودیان عزیز تولدت مبارک.

* دانشگاه صنعتی شریف

من قبل از اینکه دکتر محمودیان را دیده باشم، نامشان را از دکتر میامی و دکتر رجبعلی‌پور و بعداً از مرحوم دکتر جعفریان شنیده بودم. در سال ۱۳۵۸ زمانی که در دانشگاه صنعتی اصفهان بودیم به همراه دکتر میامی سعی کردیم که ایشان را از دانشگاه ملی آن‌زمان به دانشگاه صنعتی اصفهان بیاوریم. بعدها که با هم همکار و دوست شدیم، متوجه شدم که قبل از انقلاب، ایشان را در بوستن آمریکا در میهمانی منزل یکی از دوستان ملاقات کرده بودم، بدون این که همدیگر را بشناسیم. در سال ۱۳۷۱ با هم همکار شدیم. ایشان معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده بودند، و من تازه استخدام شده بودم. من را تشویق کرد که خانم دکتر زمانی را به‌عنوان دانشجو بگیرم و این اولین دانشجوی دکتری من بود. کلاً چون دفترمان کنارهم بود (ابتدا روبروی هم بود) خیلی باهم صحبت می‌کردیم. در دفتر ایشان با مرحوم خانم میرزاخانی و آقای مهدیان که هر دو

شائق علم و آموزگار ابدی دانش

مهدی رجبعلی پور، حسن ملکی *

در سخت‌ترین شرایط با عشق به آموزش و معلمی، ریاضیات را از انحصار نخبگان بیرون آورد و آن را به میان مردم برد تا هرکس بتواند از زیبایی و قدرت آن بهره‌مند شود. بی شک شرح حال دانشمندان و مروجان علم و سختی و موارث های آنها در راه ترویج علم، خود بهترین راه ترویج علم است. از این رهگذر است که می‌توان تفکر علمی را در جامعه بسط داد و نگاه و روش علمی را به همگان آموخت تا جامعه کمتر اسیر و در بند خرافات و شبه علم‌های مخرب شود. از این رو، شایسته و بایسته است نام و یاد این دانشمندان و ریاضی دانان بیش از پیش آورده و ذکر شود.

به فهرست بالا، می‌توان اسامی بیشتری افزود. وجه اشتراک همه این ریاضی‌دانان، عشق دیوانه وار به ریاضیات و تلاش بی حد و حصر برای ترویج آن در ایران است. اما قصد نگارندگان این مقاله، استاد بزرگ دیگری است که حدود چهل روز پیش دار فانی را غمگانه وداع گفت و این مقاله یادنامه ای کوچک برای ایشان است: چهره ماندگار ریاضیات کشور و استاد دانشگاه صنعتی شریف، زنده یاد استاد عبداله محمودیان، که روز ۸ دی ماه ۱۴۰۳ رخ در نقاب خاک کشید و جامعه علمی کشور را در غم و اندوه فرو برد.

دکتر عبداله محمودیان نیز از خیل ریاضی‌دانان بزرگ و نامی ایران بود. دکتر محمودیان با ترویج فرهنگ و اندیشه ریاضی و پرورش استعدادهای درخشان و آموزش شاگردانی توانمند، درخت ریاضیات ایران را قوی و پرمثمر کرد. او شوق و علاقه به ریاضی را در چشمان دختران و پسران میهن زنده کرد. با کارهای علمی او ریاضیات گسسته و نظریه ترکیبات و گراف یکی از شاخه های فعال و پویای ریاضیات در ایران شد. او المپیاد ریاضی را به بستری برای شناسایی ریاضی‌دانان آینده ایران تبدیل کرد. در دورترین مدارس ایران حاضر شد و دانش آموزان را به علم آموزی و تفکر و حل مسأله علاقه مند کرد. به مانند او در ریاضیات ایران زیاد نیست، او با آن جایگاه و مرتبه علمی، جانانه برای کودکان ایران تلاش می‌کرد و به آنها امید داشت.

دکتر محمودیان، متولد ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۲ در زنجان، پس از اخذ دیپلم متوسطه در آن شهر (۱۳۴۱)، دوره کارشناسی را در دانشگاه تهران (۱۳۴۴)، کارشناسی ارشد را در دانشگاه شیراز (۱۳۴۸)، و دکتری ریاضیات را در دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا (۱۳۵۴) گذراند. وی بیش از نیم قرن سابقه تدریس در دانشگاه‌های داخل و خارج دارد

داستان علم در کشور عزیزمان ایران سرشار از نقش آفرینی اساتید و چهره‌هایی است که یک تنه کار سخت و طاقت فرسای یک جمعیت را به دوش کشیده‌اند. دانشمندانی که عاشقانه و بی هیچ چشم داشتی قافله علم ایران را به پیش برده‌اند. باغبانانی که درخت علم و توسعه کشور را با شور و عشق خود آبیاری کرده‌اند و آن را به رشد و بالندگی رسانده‌اند. تلاشگرانی که عقب ماندگی‌ها را با فداکاری و ایثار خود جبران کرده‌اند. هم پژوهشگرانی چیره دست بوده‌اند و هم در پرورش پژوهشگران سنگ تمام گذاشته‌اند، در آن حد که در هر کوی و برزن محققى دست آموخته خویش به یادگار نهاده‌اند. هم برای کودکان و دانش آموزان محفل‌های پرشور و نشاط علمی برپا کرده‌اند تا از آن میان ستارگان درخشانی شکوفا شوند و هم با معلمان و آموزگاران در مدارس حشر و نشر داشته و آنها را الهام‌بخش و امید دهنده بوده‌اند. در هر دوره تاریخی از این دست دانشمندان و ریاضی‌دانان تعداد اندکی یافت می‌شود و شایسته است داستان زندگی علمی آنان ثبت و منتشر شود تا همگان بدانند نقش آفرینان اصلی تاریخ علم ایران چه کسانی بوده‌اند. محمد بن موسی خوارزمی، با بنیان‌گذاری علم جبر، نه تنها ریاضیات را به سطحی نوین رساند، بلکه تفکر منطقی و حل مسئله را به دانش آموزان و دوستانشان ریاضی هدیه داد. ابوریحان بیرونی، در دوران سخت و علم ستیز حکومت سلطان محمود غزنوی، با سخت‌کوشی و تلاش شبانه روزی، نه تنها در علوم مختلفی سرآمد پژوهشگران عصر خود شد، بلکه خردگرایی علمی را در جهان اسلام گسترش داد و راه را برای پژوهش‌های آینده هموار کرد. حکیم عمر خیام، با نبوغ خود در جبر و هندسه و حل معادلات، ریاضیات زیبایی خلق کرد. غیاث‌الدین جمشید کاشانی، با محاسبات دقیق و ابداع روش‌های نوین در تقریب، شیوه تفکر و محاسبات ریاضی را بهبود بخشید. کاشانی کتاب بی نظیر «سرآغاز حساب» را برای علاقه‌مندان و دانش آموزان آن دوران نوشت که تا سالیان سال، تنها کتاب حساب به حساب می‌آمد. از معاصرین، پروفیسور هشترودی، با آنکه می‌توانست در فرنگ بماند و تحقیقات خود را پیش ببرد به میهن بازگشت و ترویج ریاضیات پیشه کرد. هشترودی با الهام‌بخشی به شاگردانش و تلاش برای پیوند زدن ریاضیات کلاسیک و مدرن، نشان داد که دانش فقط در کتاب‌ها نیست، بلکه در جان جویندگان خرد زنده است. او نسلی از دانش آموزان ایران را شیفته علم و ریاضیات کرد. استاد پرویز شهریاری،

های بنیادی فعلی) سال‌ها پژوهشگر ارشد و مسئول یکی از هسته‌های ترکیبیات پژوهشگاه بود. وی در طول دوره کاری خود با انتشار ده‌ها مقاله پژوهشی در مباحث تخصصی خود (نظریه گراف و طرح‌های ترکیبیاتی) و هدایت تعداد زیادی دانشجوی دکتری و کارشناسی ارشد سهم شایان توجهی در پیشبرد این مباحث در ایران داشته است. استاد محمودیان به پاس خدمات آموزشی و پژوهشی اش جوایز و عناوینی از نهادهای علمی کشور دریافت کرده است که در اینجا، به ترتیب معکوس زمانی، به آنها اشاره می‌کنیم:

استاد برجسته کشور (جایزه طباطبایی، ۱۳۹۰)، چهره ماندگار ریاضی ایران (۱۳۸۹)، جایزه بین‌المللی خوارزمی برای پژوهش بنیادی (۱۳۸۲)، استاد نمونه کشور (۱۳۸۲)، پژوهشگر نمونه دانشگاه صنعتی شریف (۱۳۸۱)، عضویت در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، استاد نمونه دانشگاه صنعتی شریف (۱۳۶۹ و ۱۳۷۶). نکاتی که در ادامه می‌آید با همراهی دکتر رجبعلی پور و رجوع به خاطرات ایشان از سال‌های دور جمع آوری شده است.



دکتر محمودیان در کنار تنها نوه‌اش: امید

۱. دوره کارشناسی ارشد ریاضی دانشگاه شیراز (دانشگاه پهلوی سابق) با همت شادروان دکتر منوچهر وصال همراه با چند رشته دیگر از مهر ۱۳۴۵ به راه افتاد. دکتر وصال با دعوت از تعدادی دانشجویان قدیمی اش همچون شادروان دکتر جواد بهبودیان، دکتر حیدر رجوی، شادروان دکتر احمد میرباقری، دکتر مهدی بهزاد و دیگران برای تدریس در دانشگاه شیراز، عزم خود را بر راه اندازی دوره‌های تحصیلات تکمیلی علوم پایه در ایران جزم کرده بود.

۲. بهار ۱۳۴۵، شادروان دکتر منوچهر وصال از بین دانشجویان بااستعداد دوره کارشناسی تهران، عباداله محمودیان، هادی خرقانی، قاسم میامی، علی اکبر جعفریان و مهدی رجبعلی پور را برای حضور در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز ترغیب می‌کند. اینان شاگردان نسل اول ریاضی دان معاصر ایران همچون پروفیسور فاطمی، پروفیسور هشترودی و دکتر افضلی پور و دکتر منوچهر وصال در دانشگاه تهران بوده‌اند. با ابتکار دکتر وصال، این جمع اولین ورودی دانشگاه شیراز در مقطع کارشناسی ارشد بودند که هر یک، بعداً از ریاضی دانان بزرگ و چهره‌های سرشناس و تاثیرگذار ریاضیات ایران می‌شوند.

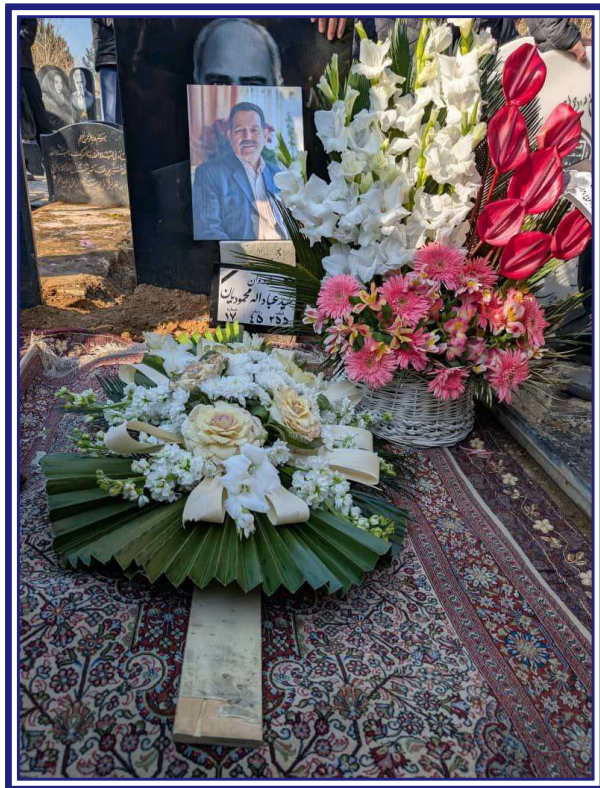
و از سال ۱۳۶۲ در دانشگاه صنعتی شریف مشغول کار بوده است. دانشجویان محمودیان همواره از او به عنوان استادی دلسوز، متبحر، و الهام‌بخش یاد می‌کنند. یکی از ویژگی‌های شخصیت محمودیان، علاقه او به پرورش استعدادها و جوانان در سطح دبیرستان است. وی سال‌ها در آموزش دانش‌آموزان المپادی مشارکت فعال داشت. از جمله این دانش‌آموزان، مریم میرزاخانی بود که محمودیان از او دعوت کرد برای ادامه تحقیق در مسئله‌ای درباره تجزیه گراف‌های سه‌بخشی کامل در دانشگاه حضور یابد. این تحقیق به مقاله مشترکی انجامید که اولین دستاورد مهم در تجزیه این گونه گراف‌ها به دورهای هتایی است. دکتر محمودیان از پیشرویان و مروجان ریاضیات گسسته در ایران بود. در زمینه آموزش، وی از اولین کسانی بود که تدریس «ترکیبیات» را در دانشگاه‌های ایران باب کرد. در پژوهش نیز از پیشگامان بود. در اولین سال‌های پس از انقلاب و در شرایط دشوار جنگ و تعطیلی دانشگاه‌ها، هسته‌ای تحقیقاتی مرکب از دکتر محمودیان و دکتر غلامرضا خسروشاهی و عده‌ای همکار جوان‌تر از جمله فرخ وطن و شاهین آجودانی نمینی، برای اولین بار در داخل کشور به تحقیق در زمینه ترکیبیات پرداخت. محمودیان پس از تأسیس مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات (پژوهشگاه دانش

و منش دکتر محمودیان بوده است.

۷. ذهن او ذهنی زیبا و توانمند و خلاق بود. به تناسب و به موقع جوک‌ها و لطیفه‌های با مزه‌ای در چنته داشت. محیط پیرامون خود را با همین طنزهای شوخ‌طبعی‌ها منحصر به فرد و پر شور و نشاط و فرایند درس و یادگیری را برای دانش‌آموزان و دانشجویان، سرشار از خاطره‌های فراموش‌نشده و ماندگار می‌کرد. همین صفات بود که او را به چهره‌ای ماندگار در جامعه علمی کشور تبدیل کرد.



دکتر رجبعلی پور، دکتر محمودیان و دکتر شهینی کرمزاده، سه چهره ماندگار ریاضی ایران در دانشگاه کرمان



آرامگاه ابدی دکتر محمودیان

۸. برای علم و ریاضیات ارزش وافر قائل بود. آنچه در او نمود داشت، علاقه دیوانه‌وار و شوق بی‌حد و حصر او به یادگیری و آموزش علم و دانش بود. هیچگاه ریاضیات و ترویج آن را فراموش نکرد. او ریاضیات را عاشقانه دوست داشت. او شائق علم و آموزگار ابدی دانش بود.

خداوند ایشان را رحمت فرموده و به همه بازماندگان صبر و اجر عطا فرماید.
یاد ایشان همواره زنده خواهد بود.

۳. دکتر محمودیان در سال ۱۳۴۹ برای دوره دکتری ریاضی به دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا رفت و در آنجا در زمینه نظریه گراف در سال ۱۳۵۴ فارغ التحصیل شد. ایشان پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۶۲ در دانشگاه شریف مشغول به کار شد.

۴. تجربه آشنایی چند دهه‌ای نگارنده اول این مقاله با دکتر محمودیان حکایت از علاقه دیوانه وار او به ریاضیات دارد. دکتر بهزاد، نظریه گراف را وارد ایران و دکتر محمودیان، در بالندگی و رشد این شاخه از ریاضیات نقش بسزایی ایفا کرد. در دهه هفتاد، نظریه ترکیبیات و ریاضیات گسسته با تلاش‌های دکتر محمودیان وارد سرفصل آموزشی دبیرستان شد.

۵. دکتر محمودیان باور عمیقی به کار گروهی و تعاملات علمی داشت. شور و شوق او به علم و یادگیری، در هر مکان و زمانی وجود داشت. یک دانشمند فعال و محقق اصیل علم بود که توانست در کنار انجام کارهای پژوهشی ماندگار، در ترویج علم و علم‌آموزی نام خود را در تاریخ علم کشور تا ابد ثبت کند.

۶. دکتر محمودیان برای ریاضیات در همه سطوح کارهای مهمی انجام داد. المپیاد ایران و شکوفایی استعدادها درخشانی همچون زنده یاد مریم میرزاخانی، برنده مدال فیلدز و رویا بهشتی و ریاضی‌دانان جوان بسیاری، مدیون زحمات و کلاس‌هایی است که ایشان برای دانش‌آموزان برگزار می‌کرد. دانش‌آموزان بی شماری در مدارس این سرزمین گواهی خواهند داد که دلیل علاقه شان به تحصیل و ریاضیات، رفتار



ردیف جلو از راست: جعفر زعفرانی، مرحوم کریم صدیقی، زاهدزاهدانی، عبدالحمید ریاضی، عباداله محمودیان، منوچهر وصال، یحیی تابش، محمود حصارکی و اسدالله نیکنام. در ردیف پشت، از سمت راست محمد توحیدلو، احمدرضا سلطانی، مهدی رجبعلی پور، مجید دهقان نیری (امین میری فعلی) و؟

بدرقه محمودیان شریف

محمد جلوداری ممقانی *

فعلی) منتقل شده است. پائیز یا زمستان ۶۷ بود که برای پیگیری ثبت نام در دوره دکتری که نتایج آن تابستان همان سال اعلام شده بود به دفتر دانشکده مراجعه کردم و با رئیس دانشکده، دکتر محمودیان، نخستین بار ملاقات کردم. در کنفرانس ۵۴م بیشتر با دوست قدیمی خود، دکتر صیرفی زاده، می گشت، قدری شکسته شده بود. با این حال در مجمع عمومی انجمن ریاضی ایران که با دکتر رجبعلی پور و دکتر کرمزاده در کنار هم نشستند، حین استماع گزارش اینجانب در مورد تاریخ شفاهی ریاضیات ایران، پیشنهاد کرد که برای جلوگیری از دوباره کاری، کمیته تاریخ شفاهی ریاضیات با آقای دکتر اصغری در دانشگاه لیورپول هماهنگ شود. پس از اتمام این جلسه راه افتادیم

قبل از طلوع آفتاب هشتم دی بود که خبر درگذشت دکتر محمودیان را از یک کانال تلگرامی دریافت کردم. در همان کانال با اندوهی فراوان طی یادداشتی کوتاه تسلیت گفتم، و خود را سپردم به امواج خاطراتی که هر آن مانند کوهی سهمگین در لایه های ذهنم آوار می شد، از سال های دهه ۶۰ تا همین اواخر در ۵۴ امین کنفرانس ریاضی ایران در دانشگاه زنجان، سال ۱۴۰۲. سال ۶۰ که به دنبال تعطیلی برخی دانشگاه ها، دانشگاه ما نیز تعطیل شد، اقامت به صورت مامور در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی فعلی) نصیب ما شد. آنجا بود که اسامی محمودیان و صیرفی زاده، نخستین بار به گوشم رسید. چندی بعد گفته شد که دکتر محمودیان به دانشگاه آریامهر (شریف

گرم شد و نگرهبان پرسید مراسم دکتر محمودیان؟ و وارد شدیم، کمتر کسی در اطراف دانشکده علوم ریاضی حضور داشت. خود را به دفتر دانشکده رساندیم. منشی دانشکده تعارف کرد و نشستیم. چند لحظه بعد دکتر فنایی رئیس دانشکده وارد شد و یاد ایام گذشته کردیم و قدری بعد دکتر شهشهانی و سرانجام دکتر پورنکی. یادم آمد که نخستین بار که ۲۴ شهریور سال ۵۲ وارد این دفتر شدم خانم منصوره ارانی پشت میز منشی بود و دکتر بهزاد رئیس دانشکده. و زمستان ۶۷ که آمدم دکتر محمودیان رئیس بود، سال ۷۳ که برای درخواستی وارد دفتر رئیس شدم تا خواستم حرفی بزنگ تلفن به صدا در آمد و محمد علی نجفی رئیس دانشکده را برای وزارت آموزش و پرورش هاشمی رفسنجانی احضار کردند، تقاضا بر زبانم خشکید. منشی خانم اسدی بود. تعارفات که تمام شد خود را به طبقه همکف رساندیم. اندک اندک همکاران، شاگردان، و دوستان دکتر محمودیان از راه می‌رسیدند. مانی رضایی چهره‌ای آشنا داشت ولی نامش از ذهنم پاک شده بود. تا چند کلمه حرف زد گفتم تو باید مانی باشی، و تایید کرد. یاد شعر فروغ افتادم «تنها صداست که می‌ماند». بسیاری از همکاران، شاگردان و آشنایان سال‌های دور و نزدیک هم آمده بودند. روزبه تویسرکانی و روزبه ترابی، کسری علیشاهی، علی یزدیپور، آرش رستگار، دکتر زنگنه، خانم گویا، ترانه اقلیدس، خانم سپیده چمن‌آرا، خانم دکتر سلطانخواه، دکتر رنجبرمطلق، و ... حدود ساعت ۹ در محوطه جلوی ساختمان دانشکده ریاضی، مراسم تشییع با تلاوت قران و سخنان دکتر زنگنه و دکتر سلطانخواه پیش رفت و حدود ساعت ۹:۳۰ حرکت به سوی بهشت زهرا، قطعه نام آوران، آغاز شد.

* دانشگاه علامه طباطبایی تهران

به‌سوی هتل. من راننده بودم، خانم من، دکتر محمودیان و دکتر کرمزاده مسافر. تا رسیدن به مقصد گپ‌وگفت شیرینی داشتیم. در دفتر دوم تاریخ شفاهی ریاضیات معاصر ایران که به‌زودی منتشر می‌شود، دکتر خسروشاهی خاطراتی به‌یاد ماندنی از دکتر محمودیان و همکاری با او در مورد آغاز تحقیقات مربوط به ترکیبیات در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی (IPM) ذکر می‌کند. نخستین محل دفتر انجمن ریاضی ایران در ساختمانی کوچک در ضلع شمالی پارک بهجت آباد واقع در خیابان کریمخان زند قرار داشت. آخرین سالی که دکتر محمودیان رئیس انجمن ریاضی بود، این دفتر با یاری خانم دکتر سلطانخواه به محل فعلی انجمن واقع در خیابان استاد نجات‌الهی، پارک ورشو منتقل شد. در یکی از روزهای اسباب‌کشی یکی از کارکنان گفت که به‌زودی این‌جا را می‌گیرند! دکتر محمودیان با عصبانیت تشر زد که هیچ‌کس نمی‌تواند انجمن را از این‌جا بیرون کند. اکنون حدود ۲۰ سال از آن تاریخ می‌گذرد. کمیته تاریخ شفاهی انجمن ریاضی ایران دو مصاحبه نسبتاً مفصل در نیمه دوم ۱۴۰۱ با دکتر محمودیان ضبط کرده است که در شرف پیاده‌سازی و انتشار است. در مصاحبه دوم عجله داشت و باید برای کاری در خانه علم به زنجان می‌رفت، کوله و کیفش را برداشت و تند دور شد. با این آوار که هر لحظه وسعت می‌یافت، راه افتادم به‌سوی محل کارم، دانشگاه، سعی می‌کردم خبر بد را صبح اول وقت به کسی نگویم، دقایق به‌سختی می‌گذشت، یکی در آمد و گفت شنیده‌اید؟ و خبر را بازگو کرد و ذکر مناقب دکتر محمودیان در میان آمد. شب را با افکار پریشان به صبح ساعت شش‌ونیم رساندم. ساعت ۸ صبح روز بعد که از نگرهبانی دانشگاه شریف رد می‌شدم، دکتر میمنی را دیدم. سرمان

به یاد استاد دکتر محمودیان

فرید (محمد) مالک *

استخدام شدم. مرحوم پروفسور محمودیان علاوه بر توانایی‌های تخصصی در پذیرش و پیش‌برد ایده‌های نو، از جانب هرکس که باشد، بسیار با سعه‌صدر و همراهانه برخورد می‌کردند. به‌عنوان مثال، من در اواسط تابستان سال ۶۴، وقتی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و همچنین عضو و مسول آموزش گروه ریاضی کاربردی جهاد

خبر درگذشت استاد گرانقدرم، پروفسور محمودیان، و اندکی پس از آن، فقدان جانشین پروفسور مهدوی هزاه‌ای، مرا بسیار اندوهگین ساخت. هنوز فقدانشان را نمی‌توان باور کرد. من اولین دانشجوی کارشناسی ارشد آقای دکتر محمودیان در دانشگاه شریف صنعتی بودم، که در اسفند ۶۵ از پایان نامه‌ام دفاع کرده و در دانشگاه یزد

در یک همایش دانشگاه پیام نور به یزد تشریف آورده بودند و دیدار ایشان و دو سه روز همراهی با ایشان برای من بسیار مغتنم بود، زیرا ایشان با روحیه ترویج گر خود از هر فرصتی برای ترغیب جوانان برای کار در زمینه ریاضیات استفاده کرده و ضمناً در زمان هایی که ایشان، آقای دکتر علیخانی و بنده با هم بودیم با تعریف لطیفه ها یا معماهایی جو را خیلی شاد، صمیمانه و دلپذیر می کردند. برای من و به خصوص برای آقای دکتر علیخانی، که شاخه کاری شان با آقای دکتر منطبق بود، حضور ذهن و به روز بودن استاد خیلی جالب بود. به علاوه ایشان هنگام گردش در بافت تاریخی و خیابان مسجد جامع یزد به دنبال خرید لباس بافتنی برای نوه اشان بودند، که در آن زمان یافت نشد. هرچند ایشان در آن چند روز ناراحتی هایی از قبیل قند بالا داشتند و من برای اولین بار ایشان را با عصا دیدم، ولی شنیدن خبر بیهوشی و بستری شدن ایشان برایم غیرقابل باور بود، خبر فوتشان که دیگر جای خود دارد. به هر حال من خودم را تا ابد مدیون محبت های استادانم، و به خصوص ایشان، می دانم.

خداوند ایشان را رحمت فرموده و به همه بازماندگان صبر و اجر عطا فرماید. یاد ایشان همواره زنده خواهد بود.

دانشگاهی شریف بودم، پیشنهاد برگزاری یک طرح کاد ریاضی را به استاد عزیزمان پروفسور شهشهانی، ریاست وقت دانشکده ریاضی، ارائه دادم که ایشان بلافاصله از آن استقبال کرده و موافقت دانشکده را هم جلب کردند، و در این راستا مرحوم پروفسور محمودیان قبول زحمت همراهی با این کار را تقبل کردند. سپس من به چند دبیرستان پسرانه در رده ممتاز تهران مراجعه کرده و با بیان جزئیات طرح، خودم از آنان خواستم که دانش آموزان ممتاز خود را جهت شرکت در یک آزمون ورودی معرفی کنند. این آزمون با شرکت بیش از صد نفر و با سوالات تستی پنج جوابی که پروفسور محمودیان با استفاده از منابع خودشان انتخاب کرده بودند به صورتی جالب برگزار شد و حدود ۳۶ نفر در آن دوره پذیرفته شدند، و این دوره با مشارکت چندین نفر از استادان، که زحمت انتخاب و جلب موافقت آنان را هم استاد عزیزمان متقبل شده بودند به خوبی برگزار شد، و شاید عامل مهمی برای تماس دانشکده ریاضی دانشگاه شریف با دانش آموزان ممتاز دبیرستانی بود. فکر می کنم مرحوم پروفسور محمودیان طبق مرامشان این کارها را کاملاً بر اساس علاقه به زمینه سازی در جهت کشف و هدایت استعداد های جوانان کشور انجام داده بوده اند.

* دانشگاه یزد

از همه مهم تر این که ایشان اواخر مهرماه امسال برای شرکت



اواخر مهرماه در دانشکده علوم ریاضی دانشگاه یزد

دکتر عباداله محمودیان: میراث‌دار گراف و ترکیبیات در ایران

خاطراتی از استادی که نیم قرن در کنارش دانش و پژوهش آموختم

نسرین سلطانخواه*

ایشان همراه شد. ایشان در آن درس به همه دانشجویان مقاله‌ای اختصاص دادند تا مطالعه کرده و در کلاس ارائه دهند. موضوعی که به من رسید، مقاله جدید و به‌روزی بود. این مقاله برگرفته از پایان نامه دکترای خانم هوانگ بود. موضوع این مقاله در مورد تربدها بود که یکی از مباحث ترکیبیات است. آن را مطالعه کردم و ایشان به‌خوبی من را برای مطالعه و فهم مقاله راهنمایی کردند. در واقع این مقاله پایه خیلی از تحقیقات بعدی من شد. بعد که وارد مقطع کارشناسی ارشد شدم، به دلیل علاقه به این موضوع، پایان‌نامه‌ام را با آقای دکتر محمودیان گرفتم. آن موقع آقای دکتر محمودیان و آقای دکتر خسروشاهی با یکدیگر همکاری تحقیقاتی داشتند و در حین تحقیق به مساله‌ای درباره عدم وجود بعضی از تربدها برخورد کرده بودند. به من گفتند شما که مقاله را خوانده‌ای، روی این موضوع کار کن. من با راهنمایی ایشان روی این موضوع کار کردم و در نهایت پایان‌نامه کارشناسی ارشد من بررسی وجود و عدم وجود بعضی از تربدها قرار گرفت. دفاع پایان‌نامه ارشدم ۲۸ شهریور ۶۷ بود. ایشان در انجام پایان‌نامه کارشناسی ارشد نه تنها روش تحقیق را به من آموختند، بلکه انگیزه برای انجام تحقیق را در من ایجاد کردند. نتایج به‌دست آمده در پایان‌نامه فوق‌لیسانس در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۲ چاپ شد. انتهای مقاله دو حدس ارائه شده بود. حدس اول ۶ سال بعد توسط دو استرالیایی ثابت شد و چندین مقاله نیز در تایید حدس دوم توسط دیگران نوشته شد. نهایتاً بعد از ۲۶ سال، در سال ۲۰۱۸ یک ریاضی‌دان روسی نشان داد که حدس دوم نیز کاملاً درست است. جالب است که این ریاضی‌دان روسی با استفاده از نظریه کدگذاری این حدس را ثابت کرد. در دوره دکتری هم ایشان به من تاکید داشتند که درس‌های متنوعی را در دوره تحصیل بگذرانم. در آن زمان درسی به نام نظریه کدگذاری یا درسی به نام رمزنگاری نبود. بلکه همه این مطالب را در درس آنالیز ترکیبی ارائه می‌دادند و به زیبایی ارتباط آنها با یکدیگر را بیان می‌نمودند. بعدها ایشان در ایجاد و توسعه رشته رمزنگاری و کدگذاری نقش مهمی داشتند، کما اینکه از موسسین انجمن رمز ایران بودند. ایشان سعی می‌کردند که دانشجویهایشان گستره دانش و اطلاعات‌شان وسیع و عمیق شود و محدود نماند. ایشان اولین استاد دانشکده ریاضی بودند که دانشجوی

در گذر تاریخ علم، نام برخی از اندیشمندان نه تنها در صفحات کتاب‌ها، بلکه در ذهن و روح شاگردان و همکارانشان حک می‌شود. دکتر سید عباداله محمودیان، استاد برجسته دانشگاه صنعتی شریف، از جمله چنین نام‌هایی بود؛ ریاضی‌دانی که با آثار علمی، تدریس و تربیت دانشجویان، تأثیری ماندگار در ریاضیات ایران و جهان برجای گذاشت. دکتر محمودیان در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۲ در زنجان متولد شد. تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۴۴ مدرک کارشناسی ریاضیات را اخذ کرد. سپس، در دانشگاه شیراز مدرک کارشناسی ارشد را خود را در زمینه نظریه گراف، زیر نظر آقای دکتر بهزاد دریافت کرد. علاقه و استعداد او در ریاضیات موجب شد که راهی ایالات متحده شود و در دانشگاه پنسیلوانیا، ابتدا مدرک کارشناسی ارشد (۱۳۵۰) و سپس دکتری (۱۳۵۴) خود را در زمینه ریاضیات کسب کند. بازگشت او به ایران و پیوستن به دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۶۲، سرآغاز دوره‌ای درخشان در تدریس و پژوهش ایشان بود. بنده افتخار دارم حدود پنجاه سال تلاش پر ثمر علمی استاد فقید، مرحوم دکتر محمودیان، استاد ممتاز بازنشسته دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی شریف را به‌عنوان یکی از شاگردانشان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و اولین دانشجوی مقطع دکترای ایشان و اولین فارغ‌التحصیل دکترای دانشکده، روایت کنم و گوشه کوچکی از آنچه که در محضر ایشان آموختم را در سطور زیر باز گویم.

۴۵ سال پیش وارد دانشگاه شریف شدم. با کمی تاخیر بعد از تغییر رشته از مهندسی برق به دانشکده ریاضی آمدم و اولین درس دوره کارشناسی را در دانشکده ریاضی با آقای دکتر محمودیان گذراندم. پاییز سال ۶۳ درس ریاضی گسسته را در خدمت ایشان فراگرفتم، ناگفته نماند که اساساً آغاز تدریس درس‌هایی مانند نظریه گراف و ریاضیات گسسته تنها با حضور ایشان در دانشکده ریاضی آغاز شد. بعد از گذراندن درس ریاضی گسسته، به این درس بسیار علاقه‌مند شدم؛ چون گرایش نوپایی در علم ریاضیات بود. سال بعد، در همان دوره کارشناسی، درسی به نام مباحثی در آنالیز ترکیبی برای دانشجویان کارشناسی ارشد، توسط ایشان ارائه شد، و بنده خواهش کردم که اجازه دهند من نیز در آن کلاس ثبت‌نام کنم که با موافقت

تدوین ۴ مقاله مشترک داشتیم. پس از آن فرصت همکاری مشترک با ایشان فراهم نشد.

پس از سال‌ها وقفه در همکاری‌های مشترک علمی، سال قبل همراه با ایشان تصمیم گرفتیم تا درسنامه‌ای که سال‌ها برای تدریس درس آنالیز ترکیبی تهیه و تکمیل کرده بودیم، را تبدیل به کتاب کنیم. در جلسات تدوین و نهایی‌سازی کتاب، بسیار برای من بسیار جالب توجه بود که آقای دکتر علیرغم سن و سال‌شان همچنان دارای حضور ذهن خوب و قدرت تمرکز جالب توجه در زمینه علمی بودند. کتاب پس از طی مراحل داوری و تایید آن برای چاپ، متأسفانه زمانی زیر چاپ می‌رود که استاد عزیز در قید حیات نیستند. البته ایشان از معدود اساتید پیشکسوت هستند که هم در ترکیبیات و هم در نظریه گراف، متخصص بودند. ایشان دروس ریاضیات گسسته، ترکیبیات و گراف را وارد دانشگاه‌ها کردند و بعد این درس‌ها را با عنوان ریاضیات گسسته وارد برنامه درسی دبیرستان کردند و سپس در چند دوره دبیران ریاضی را آموزش دادند تا ریاضیات گسسته را یاد بگیرند و به دانش آموزان، آموزش بدهند. من در این برنامه که در سال‌های ۷۵ و ۷۶ در زنجان و سال ۸۰ در تهران برگزار شد، با ایشان همکاری داشتم.



ده‌ها مقاله علمی با همکاری ریاضی‌دانان برجسته بین‌المللی در مجلات معتبر بین‌المللی منتشر کرد که بسیاری از مقالاتش به‌عنوان منابع مهم در این حوزه شناخته می‌شوند و این موجب شد که گراف و ترکیبیات در ایران جایگاه ویژه‌ای پیدا کند. سبک تحقیقاتی ایشان مبتنی بر پیگیری یک موضوع تا به اثبات رساندن همه قضایا و کندوکاو کردن در همه جوانب آن مسأله بود. یکی از اثرات این سبک، ارائه‌های حدس‌ها و انگاره‌های متعددی است که توسط دیگران به اثبات رسیده است، به‌طور مثال یک حدس در زمینه نظریه گراف درباره اندازه لاتین ترید یا مجموعه بحرانی در سال ۱۹۹۵ مطرح

دوره دکتری تربیت کردند و بنده به‌عنوان اولین فارغ‌التحصیل دکتری زیر نظر ایشان در فروردین ۱۳۷۳ با تهیه پنج مقاله از رساله دکتری خود در زمینه طرح‌های ترکیبیاتی در حضور داوران، مرحومه خانم دکتر «آن پنفلد استریت» از دانشگاه کوپینزلند استرالیا و آقای دکتر «هادی خرقانی» از دانشگاه لیت‌بریج کانادا و دکتر «چارلز کولبرن» از دانشگاه واترلو کانادا و آقایان دکتر زنگنه و مرحوم دکتر مهدوی هزاوه‌ای (که اخیراً و بعد از دکتر محمودیان به رحمت خدا رفتند) از دانشگاه صنعتی شریف و آقای دکتر خسروشاهی از دانشگاه تهران، دفاع نمودم. ایشان تلاش کردند که اولین فارغ‌التحصیلی دکتری در دانشکده ریاضی کاملاً در حد و اندازه شاخص‌های دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی باشد.



جلسه دفاع



بعد از اتمام دکتری، سعی کردم که از محضر ایشان بی‌نصیب نمانم و در زمینه نظریه گراف کارهای تحقیقاتی مشترک در قالب

دیگر ویژگی‌های آقای دکتر محمودیان، داشتن صبر و حوصله زیاد برای دانشجو بود. ایشان از ابتدا اصول تحقیق کردن، درست نوشتن و اخلاق علمی را به دانشجویان یاد می‌داد. به همین دلیل حساسیت خاصی در برخورد با پدیده ریاضیات سطحی، و تقلب‌های علمی داشتند و به آن واکنش نشان می‌دادند. علاوه بر فعالیت‌های پژوهشی، ایشان مسئولیت‌های متعددی را در جامعه علمی برعهده داشت؛ از جمله ریاست انجمن ریاضی ایران، ریاست دانشکده علوم ریاضی دانشگاه شریف، عضویت در کمیته‌های ملی المپیادهای ریاضی و کامپیوتر و دریافت جوایز معتبر همچون جایزه بین‌المللی خوارزمی، جایزه علمی علامه طباطبایی، استادنمونه کشوری، چهره ماندگار و... اما آنچه از دکتر محمودیان چهره‌ای ماندگار ساخت، نه عناوین و افتخارات، بلکه صبر، اخلاق علمی و عشق به تعلیم بود. من شاگردی هستم که افتخار می‌کنم آقای دکتر محمودیان استادم بوده و هستند. اگر بخواهم مطالبم را جمع‌بندی کنم ویژگی بارز و دستاورد غیرقابل انکار او را شاگردپروری و تربیت استادان آینده می‌دانم. بسیاری از شاگردان او امروز در دانشگاه‌های معتبر جهان فعالیت دارند. او استاد اولین زن ایرانی برنده مدال فیلدز، مرحوم مریم میرزاخانی بود و تأثیر عمیقی بر پیشرفت او داشت. دکتر سید عبدالله محمودیان، شخصیتی الهام‌بخش و اثرگذار داشت که همواره در یاد و خاطره همکاران و دانشجویانش باقی خواهد ماند. جامعه علمی ایران، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های خود را از دست داد، اما آثار علمی و شاگردان او، چراغ راهی برای نسل‌های آینده خواهند بود.

* دانشگاه دانشگاه الزهرا (س)

نمودند که چندین مقاله درباره درستی این حدس توسط ریاضی‌دانان دیگر منتشر شد و نهایتاً بعد از ۲۳ سال توسط دو ریاضی‌دان دیگر، کران بزرگتری برای اندازه لاتین‌ترین تریدها در تایید حدس مذکور اثبات شد. لیکن هنوز حدس به‌طور کامل اثبات نشده است.

ایشان دارای ویژگی‌های علمی منحصر به فردی بودند که به برخی از آنان اشاره می‌کنم:

اولین ویژگی علمی ایشان این بود که کلاس‌های درس‌شان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی، پر از بیان مسائل باز و موضوعاتی برای فکر کردن بود. بعضی‌ها آقای دکتر محمودیان را به‌عنوان استاد مساله‌دار نام می‌بردند، چون همیشه دستشان پر از مساله بود و بعضاً برای حل بعضی از مسائل جایزه هم تعیین می‌کردند. ویژگی دیگر، پیگیری و پشتکار ایشان در مسائل علمی بود. ایشان هیچ‌گاه پرونده کار علمی‌ای را که شروع می‌کرد، نمی‌بست و هرچند وقت یک‌بار دوباره مقاله‌ای در آن موضوع می‌نوشت. جنبه دیگر اینکه، آموزش و پژوهش قسمتی از کار ایشان نبود، بلکه قسمتی از زندگی ایشان بود حتی در میان گفتگوهای روزمره، باز، گریزی به مسائل علمی می‌زدند. انگیزه و انرژی مضاعف، یکی دیگر از ویژگی‌های مشهود ایشان بود. ایشان در اطراف خود فضایی پر از نشاط و سرزندگی علمی به‌وجود آورده بود و به این‌وسیله دانشجویان به‌ویژه دانشجویهای رشته‌های دیگر را جذب می‌نمود. به‌نحوی که دانشکده ریاضی، دانشکده‌ای مهاجرپذیر شده بود و دانشجویان سایر رشته‌ها به آن جذب می‌شدند. بلافاصله دانشجویان داخل محیط تحقیقات و مسأله‌های ایشان کشیده می‌شدند و با کارهای تحقیقاتی ایشان درگیر می‌شدند. همین باعث شده بود همیشه اطرافشان شلوغ باشد. از

در رثای دکتر محمودیان

مجید میرزاویزی *

ما	بی‌تردید او امشب
- ساکنان خاک -	- از راه نرسیده -
اندوهمند از دست دادن آفتابیم	اهالی عرش را
و غریبانه	به تحقیق واداشته است.
در این غروب تاریک	مثلاً ممکن است او
دل‌تنگ نور شده‌ایم.	به هر یک از ساکنان ملکوت
اما امشب بی‌شک	مسأله‌ای داده باشد
در عالم بالا	تا اوقات خود را صرف علم کنند.
نور برپاست؛	- درست مثل خاطره همه ما
و کلاس درسی	از لحظات با او بودن -
که چهره‌های ماندگار آن را روشن کرده است.	او شیفته فهمیدن بود
	و فهماندن.

* دانشگاه فردوسی مشهد

به یاد استاد دکتر محمودیان

حسین حاجی ابوالحسن *

فعالیت کردم و با جبر ناجابجایی آشنا شدم. حمایت بی‌دریغ این استاد ارجمند تأثیر شگرفی در زندگی علمی‌ام داشت. بعدها، با آشنایی با ترکیبیات جبری، علاقه‌مند شدم در این حوزه به پژوهش بپردازم، و استاد گرانقدر نه‌تنها مانعی ایجاد نکردند، بلکه مشوق من نیز بودند. پس از گرایش به ترکیبیات، ارتباطم با پروفسور هزاوه‌ای کمتر شد، اما لطف و محبت ایشان همواره در قلبم جاودان باقی ماند.

سپس، فعالیت پژوهشی‌ام را با شادروان پروفسور محمودیان و پروفسور بهزاد آغاز کردم. در حقیقت، زیر نظر این سه استاد بزرگوار، نخستین تجربه فعالیت گروهی را کسب کردم که بعدها با حمایت‌های ارزشمند پروفسور محمودیان ادامه یافت.

پروفسور محمودیان چراغ راه پژوهش بودند و همواره با اشتیاق، مسائل حل‌نشده را با دیگران به اشتراک می‌گذاشتند، بی‌آنکه جایگاه

با اندوهی عمیق، خبر درگذشت استاد گرانقدر و راهنمای عزیزم، پروفسور محمودیان، و اندکی پس از آن، فقدان جانسوز پروفسور مهدوی هزاوه‌ای، قلب‌هایمان را غرق در غم کرد. این دانشمندان والامقام نه‌تنها در عرصه علم درخشیدند، بلکه با منش والای انسانی خود مسیر زندگی بسیاری از دانشجویان را دگرگون ساختند. یاد و خاطره این بزرگان، همچون نقشی ماندگار بر تارک اندیشه‌هایمان حک شده است.

در سال ۱۳۶۹، به‌سبب علاقه وافری که به ریاضی محض داشتم، در دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شدم. در همان آغاز، به‌دلیل علاقه به چالش‌های ریاضی، با لطف استاد عزیزم، شادروان پروفسور مهدوی هزاوه‌ای، علیرغم اینکه هنوز در ابتدای راه یادگیری بودم، در هسته تحقیقاتی جبر در مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات شروع به

برنامه‌های کوه‌پیمایی برگزار می‌کردند تا شور علمی را حتی در دل طبیعت زنده نگه دارند. همچنین با همکاری دانشگاه‌هایی نظیر دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان، سفرهای علمی-تفریحی ترتیب می‌دادند که در آن، دانشجویان ضمن انجام تحقیقات گروهی، به تعامل علمی می‌پرداختند.

در پژوهش‌هایی که به‌طور مستقیم مشارکت نداشتند، از درج نام خود به‌عنوان نویسنده پرهیز می‌کردند، حتی اگر در نگارش مقاله نقش داشتند. این منش اخلاقی والا همواره الگویی برای دانشجویان بود. ایشان از غیبت و بدگویی بیزار بودند و تمام وقت ارزشمند خود را صرف آموزش، پژوهش و حمایت از دانشجویان می‌کردند. دانشجویان را تشویق می‌کردند تا از شاخه‌های متنوع ریاضیات برای حل مسائل پیچیده ترکیبیات بهره بگیرند و همواره در مسیر رشد علمی، همراه و پشتیبان آنان بودند.

تأثیر این دانشمندان بزرگ و دوست‌داشتنی در زندگی تک‌تک دانشجویانشان چنان ژرف است که شرح آن در قالب کلمات نمی‌گنجد. روح هر دو بزرگوار شاد و یادشان تا ابد در قلب‌هایمان جاودان باد.

* دانشگاه شهید بهشتی تهران

تحصیلی یا میزان نبوغ افراد برایشان اهمیتی داشته باشد. از نگاه ایشان، انگیزه و تلاش، گران‌بهرترین سرمایه‌ها بودند. ایشان با برگزاری سمینارها، گردهمایی‌ها و ایجاد فرصت‌های بی‌نظیر برای همکاری در پروژه‌های علمی، روحیه تعامل و هم‌افزایی علمی را در میان دانشجویان زنده نگه می‌داشتند. این رویکرد الهام‌بخش، به دانشجویان امکان می‌داد تا از تجربیات یکدیگر بهره‌مند شوند و به دستاوردهای برجسته‌ای دست یابند.

ایشان فردی بسیار شوخ‌طبع بودند و خاطرات شیرین بسیاری از ایشان به یاد داریم. در زمان بازی‌های آسیایی فوتبال، مشغول آماده‌سازی چندین مقاله برای یک کنفرانس بودیم (فکر می‌کنم در تبریز برگزار می‌شد). ایشان از ما (آقای دکتر تویسرکانی، مرحوم دکتر مهرآبادی و اینجانب) خواست که در دانشگاه بمانیم و برای ما تلویزیونی تهیه کرد تا فوتبال را در اتاقش تماشا کنیم. هنگام تماشای بازی، با شوخی‌های دلنشینش فضا را شاد می‌کرد. یک‌بار که غرق در هیجان بازی بودم، از من خواست جالباسی را برایش بیاورم. بی‌توجه به شوخی ایشان، بلند شدم و هنگام برداشتن جالباسی تازه فهمیدم سربه‌سرم گذاشته‌اند. این خاطره هنوز لبخندی بر لبانم می‌نشانند.

ایشان علم را با طبیعت درهم می‌آمیختند و در پایان هفته‌ها،

در یادبود استاد محمودیان؛

با نگاهی به وضعیت ریاضیات ایران

منوچهر ذاکر*

همزمان است با عبور رشته آموزشی و پژوهشی ریاضی در کشور از دوره‌ای که این رشته به شکوفایی اجتماعی رسید و ایشان سهم زیادی در این شکوفایی داشتند. رشته ریاضی در سال‌های اخیر با روند کاهشی مواجه شده که در سطور آتی شرح داده خواهد شد. آینده رشته ریاضی، نیازمند تأمل، نقد و برنامه‌ریزی است. به این مناسبت، با نقد و ارزیابی جامعه علمی کشور در چند دهه گذشته و زمان حال، پیشنهادهایی برای ابقاء و آینده ریاضیات در کشور ارائه می‌گردد. در خاتمه، طرحی برای گرمی‌داشت و ماندگاری نام و زحمات دکتر محمودیان مطرح می‌شود.

دی‌ماه امسال سید عباداله محمودیان استاد دانشگاه صنعتی شریف و چهره ماندگار ریاضی، دار فانی را وداع و جامعه ریاضی کشور را عزادار کرد. هم حیات علمی و هم درگذشت ایشان پدیده‌های مهمی در عرصه آموزش و پژوهش ریاضی در ایران است. در این مقاله به‌ذکر برخی خصوصیات علمی و دانشگاهی دکتر محمودیان و نقش بارز ایشان در ترویج ریاضیات و ترغیب ده‌ها دانش‌آموز و دانشجوی برجسته به سمت فعالیت پژوهشی می‌پردازم. در ادامه، خاطره‌ای از سال ۱۳۷۳ نقل می‌کنم همراه با شرح یک مسئله ترکیبیاتی که بسیار مورد علاقه دکتر محمودیان بود. درگذشت دکتر محمودیان تقریباً

یادگیری ریاضیات و کار پژوهشی را به صورت اجتماعی، زندگی و تجربه کردیم. مبحث مجموعه‌های تعیین‌کننده در ترکیبیات (defining sets in combinatorics) مشتمل بر مجموعه‌های تعیین‌کننده در رنگ‌آمیزی گراف‌ها و نیز مجموعه‌های بحرانی در مربعات لاتین از جمله مباحث پژوهشی هستند که با هدایت و تشویق دکتر محمودیان توسط دانشجویان متعددی در قالب گروه‌های پژوهشی آغاز و به تکامل رسید. بسیاری از بهترین نتایج در این زمینه‌ها به‌وسیله دانشجویانی که آن سال‌ها در ایران کار کردند، به‌دست آمده است.

سخت‌کوشی، پشتکار و پیگیری محکم کارهایی که باور داشت باید انجام شود از ویژگی‌های شخصی دکتر محمودیان بود. از ویژگی‌های آموزشی و بارز ایشان تشویق محصلین از دبیرستان گرفته تا دانشگاه برای فعالیت در مسائل ریاضی بود که به مدت حدود چهار دهه ادامه دادند. وی تأثیر روحی مؤثری روی دانشجویان به‌شرح زیر می‌گذاشت. دکتر محمودیان همواره از طریق صحبت و توصیه روحیه‌بخش خود، اعتماد و اطمینان در دانشجویان را نسبت به استعداد و توانایی خودشان، به‌طور مؤثر ارتقاء می‌داد، از مریم میرزاخانی فقید گرفته تا سایرین. گرچه در جمع بزرگ دانشجویان، مراتب استعدادی و نخبگی گوناگونی وجود داشت ولی کانون توجه دکتر فقط معطوف به بالاترین رده نبود و همه را در حد خود مورد تشویق و تهییج قرار می‌داد. این موضوع کمک می‌کرد تا رقابت منفی و خودکم‌بینی میان دانشجویان ایجاد نشود. برای موفقیت فردی در حوزه تحصیل و پژوهش علمی معمولاً دو عامل زیر مطرح می‌شود:

پشتکار + استعداد ذاتی فرد = موفقیت فردی

دکتر محمودیان در عمل، عامل دیگری به آن اضافه و تأثیر آنرا عملاً اثبات کرد. دانشجویان مرتبط با ایشان این عامل سوم را به‌خوبی و به کمک ایشان تجربه کردند.

انگیزه و اشتیاق فردی و اعتماد به توانایی خود = موفقیت فردی

+ پشتکار

+ استعداد ذاتی

دکتر محمودیان از عنصر پژوهش در امر آموزش استفاده می‌کرد و معتقد بود به این طریق می‌توان انگیزه یادگیری را افزایش داد. وقتی محصلی بعد از فعالیت روی مسئله‌ای پژوهشی (یعنی نو و قبلاً حل نشده و از لحاظ نظری مهم) موفق به حل آن می‌شود، هم اعتماد به توان و استعداد خود، و هم انگیزه و اشتیاق یادگیری آن مبحث و رشته علمی در وی ایجاد می‌گردد و در طریقت مسیر علمی اش کمک

رشته ریاضیات در کشور در دهه‌های شصت الی هشتاد شمسی، به یاری تأسیس دوره دکتری و توسعه دانشکده‌های ریاضی، استفاده از ارتباطات اینترنتی، تسهیل سفرهای علمی دانشجویان و اساتید، ارتباط ریاضی‌دانان داخل و خارج و نیز شرایط نسبتاً امیدبخش اجتماعی و اقتصادی، حال و روز تقریباً خوب و خوشی داشت. فرزندان طبقات متوسط می‌توانستند به فعالیت تمام وقت ریاضی وارد شوند، مجبور به انتخاب رشته‌هایی مانند مهندسی یا پزشکی نشوند و به شغلی مرتبط با ریاضیات نیز امیدوار باشند. کنکورهای کارشناسی ارشد و دکتری رشته ریاضی بسیار پرجمعیت و رقابتی بودند و استقبال عموم دانشجویان و اساتید از کنفرانس‌های ریاضی فراوان بود. ولی طی دهه نود تاکنون، شرایط اقتصادی و اجتماعی به ضرر علوم و ریاضیات و به سمت افول اهمیت تحصیل و پژوهش تغییر یافت. با توجه به نقش اجتماعی دکتر محمودیان در ترویج ریاضیات، درگذشت ایشان به منزله مرگ سمبولیک دوره شکوفایی ریاضیات است. حقیقت آن است که وضعیت ریاضیات و علوم پایه در کشور اصلاً مطلوب و امیدبخش نیست. این باعث می‌شود نگاه به چند دهه گذشته ریاضیات ایران، نگاهی عمدتاً نوستالژیک و حسرت‌آمیز باشد. در بخش‌های بعدی به این موضوع خواهیم پرداخت.

دکتر محمودیان چشمه جوشانی از ترویج ریاضیات و تشویق محصلین مستعد به فعالیت پژوهشی بودند. ایشان از اواسط دهه شصت شمسی، دانشجویان و از اواخر دهه شصت دانش‌آموزان منتخب شهر تهران را از طریق مسابقات ریاضی و دیگر اجتماعات علمی به کار پژوهشی تشویق و ترغیب کردند و طی این مدت طولانی نسلی از پژوهشگران ریاضی و علوم کامپیوتر شناسایی و برخاستند که اکنون پژوهشگران سرشناسی در داخل کشور و اکثراً در دانشگاه‌های معتبر کشورهای غربی هستند. دکتر محمودیان در مقاله «نقش انگیزه‌های تحقیق در آموزش ریاضی» منتشره در شماره ۳۶ مجله فرهنگ و اندیشه ریاضی (۱۳۸۵) نوشتند که ملاک انتخاب دانش‌آموزان و دانشجویان برای دعوت به آن دوره‌ها عبارت بود از علاقه، روحیه تحقیق و پژوهش و نیز انضباط کاری. دکتر محمودیان همچنین مانند یک فعال اجتماعی نقش بسیار بارز و مؤثری در بُعد اجتماعی ریاضیات ایفا کردند یعنی در مواردی همچون ایجاد جمع‌های پژوهشی با هدف پیشبرد مبحثی از ریاضیات، تشکلات اجتماعی مرتبط با ریاضیات مانند خانه‌های ریاضی و کمک به ایجاد همکاری‌های دانشجویی برای کار پژوهشی از طریق دوره‌های و جلسات مشترک؛ فعالیتی که تا روزهای پایانی زندگی خود بی‌وقفه ادامه دادند. من و دیگر دانشجویان پیرامون دکتر محمودیان،

از رأس‌های G همراه با یک تابع اختصاص رنگ مانند f به اعضاء S ، یک مجموعه تعیین کننده، گفته می‌شود، هرگاه تابع f فقط به یک طریق قابل توسعه به یک رنگ آمیزی معتبر (سره) با کمترین تعداد رنگ برای گراف G باشد. در حالت خاص که گراف G ، ضرب دکارتی دو گراف کامل باشد، مجموعه تعیین کننده S به طور یکتا به یک مربع لاتین مانند L گسترش می‌یابد. در این حالت، مجموعه S یک مجموعه بحرانی (critical set) برای مربع لاتین L نامیده می‌شود. سؤال چنین است:

فرض کنید S یک مجموعه تعیین کننده در G باشد. آیا الزاماً رأسی در $G \setminus S$ وجود دارد که رنگ آن با تثبیت رنگ رأس‌های S بلافاصله به طور یکتا تعیین شود؟ اگر جواب این سؤال مثبت باشد بسیاری از مسائل در مورد مجموعه‌های تعیین کننده و همچنین مجموعه‌های بحرانی در مربعات لاتین حل می‌شود. ولی در آن ایام من مثال نقضی پیدا کردم. یک عصر که همگی جمع بودیم، دکتر محمودیان گفتند بچه‌ها، ذاکر فلان مسئله را حل کرده و سه هزار تومان به عنوان جایزه روی میز گذاشت. من می‌دانستم افرادی مانند مریم میرزاخانی به راحتی می‌توانستند آن مسئله را حل کنند و در نتیجه مقید شدم جلوی آنها جایزه را بردارم. یکی از دوستان جایزه را برداشته به من دادند. بعداً مثال نقض دیگری پیدا کردم که تا حدی عذاب وجدان مرا برطرف کرد. این مثال نقض عبارت بود از یک مربع لاتین L همراه با یک مجموعه بحرانی S با کمترین اندازه ممکن برای L ، به طوری که در ابتدای کار، مقدار هیچ درایه در $S \setminus L$ به طور یکتا معین نمی‌شد. در این راستا باید اشاره کنم کمترین اندازه مجموعه‌های بحرانی در مربعات لاتین از مسائل بسیار مورد علاقه دکتر محمودیان بود که تاکنون حل نشده است. حدس مطرح در این مبحث چنین است.

فرض کنید L یک مربع لاتین از ابعاد $n \times n$ است. آنگاه هر مجموعه بحرانی برای L دارای حداقل $\lfloor \frac{n}{4} \rfloor$ (نماد جزء صحیح) درایه است.

این حدس برای هر مربع لاتین L و هر مجموعه بحرانی S از L که شرط قوی زیر را داشته باشند، توسط دو کانادایی به اسامی پیت^۱ و فان ریس^۲ حل شده است. شرط قوی: درایه‌ای خارج از S در L وجود دارد که مقدارش به طور یکتا تعیین می‌شود و این اتفاق به طور دنباله‌وار در معین شدن باقی‌مانده درایه‌ها هم رخ می‌دهد. ولی مثال نقضی که در بالا به آن اشاره شد، نشان می‌دهد مجموعه‌های بحرانی مربعات لاتین، لزوماً چنین خصلت قوی را ندارند و در نتیجه حدس

شایانی به وی می‌کند. خوشبختانه این روش در شکوفایی مستعدین فراوانی از جمله مرحوم مریم میرزاخانی بسیار مؤثر واقع شد. البته در نقد این دکتربین باید توجه کرد که این روش بیشتر مناسب محصلین مستعد ریاضی است و نه محصلین متوسط و پائین تر. در واقع برای متوسط‌ها، حل مسائل و تکالیف درسی، این نقش مشوق و افزایش دهنده اعتماد به توان را ایفا می‌کند که البته نیازمند هدایت صحیح محصل در کلاس درس است. متأسفانه اخباری که از وضعیت آموزش و مخصوصاً آموزش دروس ریاضی در دبیرستان گزارش می‌شود حاکی از ضعف شدید محصلین در دروس ریاضی و ضعف تدریس برای آنهاست.

اوایل مرداد ماه ۱۳۷۳ بود که دکتر محمودیان مرا به جمع محفل دانشجویان پیرامون خود که با ایشان روی مسائل پژوهشی کار می‌کردند، دعوت کرد. این مسائل در زمینه مجموعه‌های تعیین کننده در نظریه گراف و ترکیبیات بود که دارای کاربردهایی در رمزنگاری و مباحث الگوریتمی است. در کنار این جمع، اردوی تمرین و آمادگی برای المپیاد ریاضی اگو مشتمل بر دانش آموزان و دانشجویان برگزیده‌ای همچون مریم میرزاخانی سوم دبیرستانی حضور داشتند. مجموع پرشوری از تعدادی دانشجو و دانش آموز علاقمند به مسائل ریاضی با ده‌ها خاطره شکل گرفت. کلاس‌های آمادگی المپیاد در دانشگاه زنجان برگزار می‌شد و عصرها همگی در مرکز تحصیلات تکمیلی علوم پایه جمع می‌شدیم. در آن جمع، دکتر محمودیان مسائلی مطرح کردند که کار روی آنها، نطفه اولین مقاله پژوهشی مرا تشکیل داد. این مقاله مشترک با دکتر محمودیان و رضا ناصرعصر که در نشریه Discrete Mathematics منتشر شد خیلی کمک کرد تا علاقه من به حوزه نظریه گراف و الگوریتم‌های مسائل ترکیبیاتی گره بخورد. در نتیجه تصمیم گرفتم دوره کارشناسی ارشد و بعداً دکتری ریاضی را زیر نظر دکتر محمودیان در دانشگاه شریف ادامه دهم. ناگفته نماند دهه هفتاد شمسی، دهه اصلاحات در کشور با شعار جامعه مدنی بود و فعالین بسیاری از جمعیت دانشجویی از جمله خود من را جذب و به آینده امیدوار کرده بود. امیدواری به شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور، روی شکوفایی دانشگاه، علوم و ریاضیات نیز تأثیر گذاشت. ذکر خاطره‌ای از آن جمع تابستان ۱۳۷۳ آمیخته با یک مبحث ریاضی خالی از لطف نیست. دکتر محمودیان مسئله‌ای به شرح زیر برای گروه دانشجویان مطرح و جایزه‌ای برای حل آن تعیین کردند.

فرض کنید G یک گراف غیرجهتدار باشد. به زیرمجموعه S

افکارمان در باب ریاضیات واقف بودیم ولی کار را بر مبنای یک هدف مشترک شروع کردیم و قرار شد مقاله با عنوان «مختصری از تحولات محتوایی و اجتماعی رشته ریاضی در ایران؛ در حال حاضر ریاضیات چه باید بکنند؟» که در خبرنامه انجمن ریاضی ایران شماره ۱۷۱ سال ۱۴۰۱ منتشر کرده بودم را به ایشان بفرستم. ولی مطالب این مقاله باعث نگرانی شدید دکتر محمودیان شد، مخصوصاً پاراگراف زیر که آنرا عیناً نقل می‌کنم: «من و همه هم‌دوره‌ای‌های من این شانس را داشتیم که تحصیلاتمان در اوج شکوفایی و استقبال اجتماعی از رشته ریاضی انجام شد، یعنی تقریباً از اواخر دهه ۶۰ تا اواخر دهه ۸۰ شمسی. دهه هفتاد شاهد استقبال چشمگیر اجتماعی از رشته‌های ریاضی و علوم پایه بود. این دوره مقارن با دوره اصلاحات و جامعه‌امیدوار در کشور بود که روی علوم هم تأثیر گذاشت. استقبال اجتماعی از علم و ریاضیات، همچنین محصول جامعه درون‌گرایی دهه شصت و قلّت ارزش‌های فرصت‌طلبی و مصرف‌گرایی در کشور بود. ظهور نسلی از نخبگان دانش‌آموز، مشتمل بر دانش‌آموزان دختر و پدیده مریم میرزاخانی علاوه بر عوامل استعداد فردی و زمینه خانوادگی، محصول جامعه درون‌گرا و تا حدی تعالی‌نگر دهه‌های شصت و هفتاد بود. شکوفایی رشته ریاضی تا اواخر دهه هشتاد مشهود بود تا اینکه روند نزولی گرفت. جذب دانشجویان در مقایسه با میزان استخدام نامتناسب شد. شغل‌ها کمتر متکی بر تحصیلات و مهارت‌های تخصصی شدند. نمودار پذیرش دانشجوی دکتری نسبت به نمودار جذب هیئت علمی خیلی بالاتر رفت. در مجموع یافتن شغل حتی برای واجدین تحصیلات عالی معضل شد. درآمد دولت کاهش یافت و سناریوی نانوشته ریاضی، مادر علوم و اعتبار متافیزیک و افلاطونی ریاضیات، کمکی به حال رشته ریاضی نکرد. رشته ریاضی در حال حاضر با کاهش شدید استقبال اجتماعی و حمایت دولتی مواجه شده است. بسیاری از صندلی‌های رشته ریاضی خالی مانده‌اند. امید به یافتن شغل از طریق رشته ریاضی بسیار ناچیز شده است. در سال‌های پیشین برای رفع این مشکلات، رویکرد گسترش گرایش‌های کاربردی اعمال شد ولی چندان مؤثر واقع نشده و استقبال روز به روز تنزل یافت. طبق گزارش‌ها، سواد ریاضی محصلین مدرسه و دانشگاه بسیار کاهش یافته است. رتبه ایران در المپیاد ریاضی بین‌المللی نیز نسبت به سال‌های دهه هفتاد و هشتاد تنزل کرده است. استخدام فارغ‌التحصیلان به‌ویژه در گرایش‌های سنتی ریاضی بسیار کاهش یافته است. عودت شکوفایی و اعتبار به رشته ریاضی از عهده افراد و دانشگاه‌ها خارج و امر بسیار دشواری است. حال در چنین شرایط دشواری چه کار مثمرتری می‌توان

فوق کماکان حل‌نشده باقی مانده است. همه دانشجویان پیرامون دکتر محمودیان از دفتر کار شلوغ ایشان که در آن هرکسی به تکلیفی مشغول بود، خاطره دارند. مخصوصاً فایل کشویی موجود در گوشه اتاق و مملو از نسخه‌های کاغذی مقالات پژوهشگران مشهور حوزه ترکیبیات و الگوریتم، بسیار مورد علاقه و استفاده من بود. در واقع، زمانی که به دلیل نبود اینترنت، دسترسی به نسخه الکترونیکی کتب و مقالات ریاضی امکان‌پذیر نبود، استاد گنجینه‌ای از مقالات پژوهشی و کتاب‌های درسی، از خارج کشور آورده بود که شخصاً و دیگران، بسیار استفاده کردیم.

در ادامه نوشته توضیح می‌دهم چرا و چگونه دکتر محمودیان مخصوصاً در سال‌های پایانی خود، به‌نوعی به زندگی جهادی روی آوردند. در تاریخ آمده است فیلسوف آلمانی کارل مارکس در بستر مرگ بود. از ایشان پرسیدند آخرین حرفت چیست. جواب داد آخرین حرف مال احمق‌هایی است که به اندازه کافی سخن نگفته‌اند. آموزه حرفه‌ای نهفته در این نقل قول این است که کسانی که در حوزه‌های نظری کار می‌کنند، بایستی حداکثر تلاش را برای بیان افکار و نظریات خود خرج کنند و ناتمام از دنیا نروند. این موضوع شامل افرادی که رسالتی در حوزه عمل دارند نیز صادق است. مانند فعالین آموزشی، مدنی و اجتماعی. به‌راستی دکتر محمودیان علاوه بر کار آموزشی و پژوهشی دانشگاهی، یک فعال اجتماعی در حوزه ترویج علوم به‌ویژه ریاضی نیز بودند. به نظرم دکتر محمودیان در محدوده اهداف آموزشی و آکادمیک، کاری نماد که خواسته ولی نتوانسته باشد انجام دهد. دلایل من برای این گفته این است که آمال و علایق هر فردی در طول پنج-شش دهه فعالیت، نمایان و آشکار می‌شود. در مورد دکتر محمودیان، ما آنها را در رزومه حجیم فعالیت‌های ترویجی، پژوهشی و آکادمیک ایشان می‌بینیم. علاوه بر این‌ها، در سال‌های پایانی نیز به تلاش مستمر در جهت باورها و ایده‌آل‌های خود - علیرغم تحمل بیماری - به‌طور فزاینده ادامه دادند. در واقع ایشان دست به کار و زندگی جهادی زدند. فوت دکتر محمودیان، به منزله گذر سمبولیک ریاضیات کشور از مرحله‌ای است که در بستر اجتماعی و اقتصادی چند دهه پیش شکل گرفت و اکنون دست‌انداران ریاضی کشور را گوشزد می‌کند تا ضمن بررسی وضع موجود برای گشایش جدیدی از این دانش در پرتو تحولاتی چون هوش مصنوعی و ریاضیات تجربی بیاندیشند. آخرین تعامل فکری من با استاد محمودیان در تابستان ۱۴۰۲ اتفاق افتاد. دکتر از من برای تهیه و ارائه یک سخنرانی مشترک در ۵۴ امین کنفرانس ریاضی کشور به میزبانی دانشگاه زنجان دعوت کرد. گرچه به تفاوت

باید در جهت آموزش قابلیت‌های چندگانه ریاضی و توان مدل‌سازی آنها اصلاح شوند. به جای سیاست آموزشی نخبه‌گرایانه با هدف تربیت اقلی از ریاضی‌دانان نخبه در کشور، روی پرورش تعداد کثیری از محصلین ریاضی با قابلیت‌های گسترده تفکر ریاضی، با هدف افزایش سرمایه اجتماعی ریاضی کشور برنامه‌ریزی شود. با وجود همه اینها، می‌توان با طرح‌ها و تلاش‌های جهادی دکتر محمودیان همدلی و سمپاتی داشت زیرا ایشان به احتمال زیاد گمان می‌کرد هر اندازه که فرصت فعالیت دارند به ترویج و تقویت رشته ریاضی بپردازند و فرصت زیادی برای برنامه‌های درازمدت در خود نمی‌دیدند. متأسفانه وضعیت رشته‌های علوم و مخصوصاً ریاضی در کشور چنان است که فعالیت پیشینیان جنبه نوستالژیک دارد و امید چندانی نیز به ثمربخشی تلاش‌های زمان کنونی در آینده وجود ندارد. کمبود دانشجو در رشته ریاضی منجر به کاهش جذب هیئت علمی در رشته ریاضی شده است. یعنی امید به امکان شغل برای فارغ‌التحصیل ریاضی ناچیز است. هر رشته دانشگاهی، طبعاً دارای اعتباری در جامعه است. اعتبار اجتماعی رشته ریاضی در سال‌های اخیر بسیار کاسته شده است. قبلاً انگیزه اصلی دانشجویان و اساتید برای شرکت در کنفرانس‌های ریاضی مانند کنفرانس چهار روزه سالانه ریاضی کشور، شناخت مباحث گوناگون ریاضی، ارتباطات علمی-اجتماعی و جذابیت کنفرانس بود ولی اکنون شرکت‌کنندگان و سخنرانان، عمدتاً برای دریافت گواهی شرکت، یک روز در کنفرانس حضور می‌یابند. دانشجویان مستعد، بیش از پیش ادامه تحصیل را در خارج از کشور جستجو می‌کنند و از این حیث سرمایه‌ای عاید کشور نمی‌گردد. متأسفانه مملکت قادر به حفظ سرمایه‌های علمی خود نبوده و با این رویه نیز نخواهد بود. به عبارت دیگر، ترویج و تشویق محصلین در مزرعه ریاضیات در ایران محصول ماندگار چندانی در پی نخواهد داشت. در نتیجه، فعالیت‌های آکادمیک ریاضی‌کاران ایرانی صرفاً محدود به انتشار مقاله شده است. اگرچه تعداد و کیفیت مقالات ایرانی‌های داخل کشور نسبت به گذشته بسیار بالاتر رفته است ولی اهداف پژوهشی پژوهشگران، عمدتاً دغدغه افزایش تعداد مقالات و ارجاعات را دارد و رسالت کلان موجهی برای پژوهش‌های ریاضی وجود ندارد. این رویه، پژوهشگر اعم از استاد و دانشجو را به تمرکز و تأمل روی خطوط پژوهشی معتبر و نیز کشف ارتباطات مابین مباحث پراکنده پژوهشی سوق نمی‌دهد.

سخن آخر، استاد محمودیان هر آنچه در توان داشت و نیز خودشان را صرف پیشبرد آموزش و پژوهش ریاضیات کردند. ضروری است نام و اقدامات ایشان زنده نگه داشته شود. برای

انجام داد؟» دکتر بعد از خواندن مقاله با اضطراب گفتند حرف‌هایی دارند که حتماً باید مطرح کنند و کل وقت سخنرانی را لازم دارند. طرح یک سخنرانی مدعو مشترک در کنفرانس تبدیل به دو سخنرانی جداگانه با دو تجویز متفاوت برای ریاضیات شد. سخنرانی دکتر محمودیان با عنوان «انتقال نیم قرن تجربه ریاضی‌کاری، در جذب جوانان عاشق ریاضیات» نسخه تکمیل شده مقاله‌ای با عنوان «نقش انگیزه‌های تحقیق در آموزش ریاضی» بود که در شماره ۳۶ مجله فرهنگ و اندیشه ریاضی در سال ۱۳۸۵ منتشر شده بود. دکتر محمودیان در آن سخنرانی با اتکاء بر تجربه موفق خود، این باور را اشاعه دادند که با تشویق محصلین مستعد از دبیرستان گرفته تا دانشگاه جهت ورود به رشته ریاضی، می‌توان به اعتبار رشته افزوده و آنرا از بحران کنونی خارج کرد. اگرچه ایشان کم و بیش در جریان تفاوت فاحش در حوزه اشتغال و شرایط اجتماعی کنونی با دهه‌های شصت تا هشتاد بودند، ولی تلاش خود را روی برنامه‌ای متمرکز و خرج کردند که صرفاً در دهه‌های پیشین عملی شده بود. امیدواری به آینده در دهه‌های مذکور آن اندازه بود که ثمربخشی و محصول‌دهی فعالیت‌های آکادمیک ریاضی‌دانان را در آینده ضمانت کند. واقعیت این است که استقبال از رشته ریاضی در دهه‌های قبل به این پشتوانه بود که ادامه تحصیل در رشته ریاضی می‌توانست به تأمین شغل و موقعیت اجتماعی منجر شود. معیاری که اکنون برقرار نیست و اگر فردی، آینده محصلین را به رشته ریاضی و یا سایر رشته‌های علوم گره بزند، اخلاقاً بایستی آینده شغلی و زندگی آنها را ملاحظه کرده و مسئولیت این ترویج را بپذیرد. در جهت مقابل این سناریو، توصیه‌های من که در مقاله خبرنامه شرح داده شده، شامل اصلاح محتوایی دروس و جهت‌گیری ریاضی است تا آنرا از حالت سترون فعلی خارج کرده و ارتباط سازنده‌ای با حوزه مهندسی و به‌ویژه سایر علوم ایجاد کند. با تکمیل این اصلاحات، تشکیل چرخه آرگانیک STEM (علوم، فن‌آوری، مهندسی، ریاضیات) تسهیل می‌شود که بیشترین موجه‌سازی را برای حمایت از آموزش و پژوهش ریاضی و حاشیه‌ای معتبر برای خودمختاری رشته ریاضی به ارمغان می‌آورد. در مقابل این نوع معیار در باب ریاضیات، فعالیت ریاضی با هدف انتزاع بیشتر و تعمیم صرف قرار دارد. تفکرات ریاضی جهانی در سال‌های اخیر، به کارایی شیوه‌های فکری ساختنی، الگوریتمی، محاسباتی و احتمالاتی و همچنین تلفیق این روش‌ها منجر شده است ولی ریاضیات سنتی در ایران، تک‌ساختی بوده و محدود به شیوه فکری اثباتی/قیاسی باقی مانده است که آنرا در همان مقاله خبرنامه بورباکیسم ایرانی اطلاق کردم. به عقیده نویسنده، محتویات درسی

در باب نحوه اصلاح مباحث ریاضی شرح داده شد. دکتر محمودیان بخش انتهایی مقاله خود در کنفرانس ریاضی ۱۴۰۲ را به تحلیل برخی از بحران‌های گریبان‌گیر رشته ریاضی اختصاص داده بود. بنابراین کمیته و برنامه‌ای که پیشنهاد داد هم در راستای دغدغه و تلاش‌های استاد محمودیان، البته با نگاهی وسیع به موضوع بحران‌ها و هم نیاز بسیار ضروری رشته ریاضیات جهت نگهداری و شکوفایی آن در شرایط فعلی کشور است. نام و خاطرش جاویدان باد.

* دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان

ماندگاری نام بزرگان علم یک مملکت، شیوه‌هایی همچون برگزاری کنفرانس و یا ایجاد یک جایزه ملقب به نام آنها متداول است. همه این اقدامات، ارزشمند و شدنی هستند ولی نگارنده پیشنهادی متفاوت دارد که عبارت است از تشکیل کمیته‌ای مزین به نام استاد محمودیان ترجیحاً زیر نظر انجمن ریاضی ایران، با عنوان «برنامه اصلاح و رفع بحران رشته ریاضی در ایران» برای پیگیری اهدافی همچون تلاش برای رفع بحران‌های متوجه رشته ریاضی، اصلاح محتویات دروس ریاضی و گسترش آن در مدارس و دانشگاه. در سطور قبلی مختصراً



مراسم بزرگداشت دکتر محمودیان در دانشگاه صنعتی شریف

دو روز با استاد دکتر محمودیان در یزد

سعید علیخانی*

خاطرات سفر امسال استاد به یزد

هم گفت: «ساجده السادات». دکتر با خنده گفت: «ساجده که اسم دختره و اما تو که پسری!» دخترک هم گفت: «نه خیر، درسته موهام کوتاهه و شبیه پسرا شدم، اما بین گوشواره دارم و من دخترم» و این صحبت‌ها ادامه داشت. با خودم گفتم: «استاد عجب حال و حوصله‌ای دارد» و او به همین بهانه از نوه‌اش که هم سن و سال او بود برایم گفت و خاطراتی را برایم تعریف کرد. فردا صبح حدود ساعت ۸ ایشان را از میهمانسرا برداشتم و اولین کاری که کردیم به داروخانه رفتیم و دکتر دارویش را تهیه کرد. خیالم تا حدی راحت شد. به اتفاق هم به سازمان مرکزی دانشگاه پیام نور یزد، جایی که مراسم افتتاحیه یازدهمین همایش ملی ریاضی دانشگاه پیام نور بود رفتیم. ایشان دقایقی را در مراسم افتتاحیه به عنوان میهمان ویژه سخنرانی کردند.



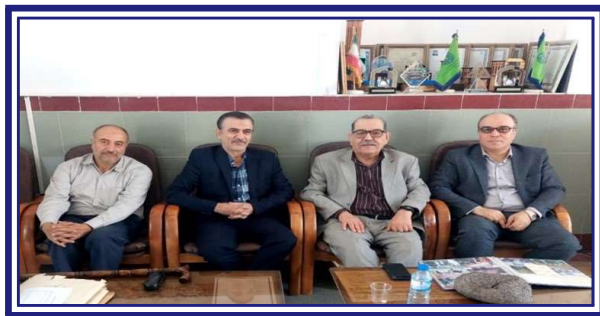
سخنرانی در مراسم افتتاحیه یازدهمین همایش ملی ریاضیات در دانشگاه پیام نور یزد

بعد از صرف ناهار، ایشان را به دانشکده علوم ریاضی دانشگاه یزد بردم. حدود ساعت ۱۳:۳۰ سخنرانی خود را شروع کردند. در حدود یک و نیم ساعتی که برایمان صحبت کردند از کاربردهای ماتریس در توموگرافی گفتند که برای همه جالب بود. همچنین به قضیه هال و اثبات خودشان اشاره‌ای داشتند. حدود یک ساعت هم دانشجویان و همکاران دور استاد بودند و مشغول بحث و گفتگو.

من که نگران حال و خستگی استاد بودم، گفتم: «آقای دکتر، بهتر است شما را به میهمانسرا ببرم تا استراحت کنید که مجدد فردا سخنرانی دارید، هرچند هم می‌توانیم با آقای دکتر مالک و شما به شهر برویم و دوری بزینم». تقریباً با توجه به خستگی استاد، مطمئن بودم که دکتر می‌گوید مرا به میهمانسرا ببر، اما با کمال ناباوری گفت: «اگر براتون زحمتی نیست، بریم بگردیم». پیشنهاد دادم ساعتی را

به‌گمانم اولین بار اسفند ۱۳۷۴ در دانشگاه صنعتی شریف و در بیستمین مسابقات ریاضی دانشجویی، استاد دکتر محمودیان را دیدم. فقط می‌دانستم ریاضی‌دان بزرگی است و متخصص ترکیبیات است. البته آن زمان می‌گفتند ریاضیات گسسته. ناگفته نماند می‌دانستم مولف کتب المپیادی هستند و برخی از کتب ایشان را دیده و تا حدی خوانده بودم. بعدها که دوره دکتری گراف و ترکیبیات را شروع کرده بودم، بیشتر با کارهای علمی ایشان آشنا شدم. شاید من از آخرین افرادی (به‌خصوص در شهرستان) باشم که با دکتر محمودیان ساعاتی را گذرانده‌ام. اواخر مهرماه ۱۴۰۳ بود که به اتفاق دبیر عملی یازدهمین همایش ملی ریاضی دانشگاه پیام نور، آقای دکتر سعید میروکیلی، برنامه‌ریزی کرده بودیم که ایشان به بهانه سخنرانی در یازدهمین همایش ملی ریاضی دانشگاه پیام نور که امسال در یزد برگزار می‌شد، به یزد تشریف بیاورند. سه‌شنبه ۲۴ مهرماه حدود ساعت ۱۹:۳۰ در فرودگاه یزد به استقبالش رفتیم. روی صندلی انتظاری نشسته بودم و ثانیه‌هایی سرم را پایین انداخته بودم و به‌مانند همیشه در حال فکر کردن بودم که ناگهان دیدم ایشان تقریباً به بالای سرم رسیده‌اند. همین نکته مرا متعجب کرد که چطور دکتر پس از سال‌ها بنده را به‌خاطر دارد. راستش را بخواهید با توجه به سن و سال دکتر، نگران بودم که نکند از پرواز بماند، نکند در پرواز مشکلی پیش آید و ... اما دیدم سرحال و خندان هستند و آنجا بود که بسیار خوشحال شدم. ایشان را به میهمانسرای دانشگاه بردم. در طول مسیر فرودگاه به دانشگاه بسیار از خوش صحبتی و اخلاق نیک ایشان بهره بردم. با اینکه خودش به من گفته بود حافظه کوتاه مدتم ضعیف شده است اما واقعاً در زمینه علمی همه چیز را به‌راحتی به‌خاطر می‌آورد. متوجه شدم استاد واقعاً به‌روز هستند و بسیار هنوز علاقمند. آری همین علاقه ایشان بود که دعوت ما را به‌راحتی پذیرفتند. در لابی میهمانسرا نشسته بودیم که دکتر گفتند که «به‌گمانم داروهایم را جا گذاشته‌ام». هرچه اصرار کردم که آقای دکتر بیایید تا برویم از داروخانه دارو را تهیه کنیم قبول نکرد که نکرد. راستش نمی‌دانستم که اینقدر مهربان و تا حدی خجالتی هستند. دختر کوچک ۴-۵ ساله‌ای که دختر مسئول میهمانسرا بود را در لابی دیدند و صدایش زدند «کوچولو بیا اینجا ببینم!» دخترک آمد. استاد که روی مبل نشسته بودند، دست دختر را گرفت و گفت: «اسمت چیه؟» دخترک

به سمت پدربزرگش که به زور عصا راه می‌رفت، می‌آمد و استاد آنقدر خوشحال می‌شد که بسیار برایم جالب بود. می‌دانستم آن کودک را به‌مانند نوه خود می‌بیند. راستش دنبال عروسکی هم برای نوه‌اش می‌گشت که متأسفانه با توجه به سفر کوتاه، نتوانستیم آن نمونه‌ای که مدنظر استاد بود را پیدا کنیم. شاید هم آن را برای آن دخترک می‌پهمنسرا می‌خواست. به‌اتفاق استاد دکتر مالک عزیز که تقریباً همراه من و استادش بود، به رستوران خوان دوحده یزد رفتیم و حدود دو ساعت آنجا بودیم که بسیار برایم جالب بود. دکتر مالک و استاد محمودیان از دوره‌ای که دکتر مالک جز اولین دانشجویان ارشد آقای دکتر محمودیان بودند برایمان گفتند و این که چطور همان پایان‌نامه ارشد آقای دکتر مالک که در مورد کدهای تصحیح‌کننده خطا بود، بعدها به کتابی در نظریه کدگذاری می‌شود که توسط انتشارات دانشگاه یزد انتشار یافت.



آقای دکتر محمودیان در خانه ریاضیات یزد، ۲۸ مهرماه ۱۴۰۳

حدود ساعت ۱۷ بود که به اتفاق همسر و دو پسر به میهمانسرا رفتیم که استاد را به فرودگاه ببرم. آنقدر از استاد برای خانواده‌ام صحبت کردم که ایشان مشتاق دیدارش شده بودند. استاد با حالتی ناراحت در حالی که اشک در چشمان داشت، با ساجده، دخترک میهمانسرا خداحافظی کرد. بغض در گلویم دخترک را حس می‌کردم. او به محوطه و نزدیک ماشین آمد و همانطور که سوار دوچرخه کوچک خود شده بود، می‌گفت: باباجون، دیگه به من نگی پسرما، من دخترم». پس از احوال‌پرسی استاد با خانواده ام، به اتفاق آنها، استاد را به فرودگاه رساندم. از او بابت پذیرفتن دعوت‌مان بسیار تشکر کردم و او متواضعانه پاسخ می‌داد. مرا پدران و استادانه بابت کارهای خوب پژوهشی‌ام تشویق کرد و گفت که حتماً با تمام توان آنها را ادامه دهم. حدود ساعت ۱۷:۳۰ پنجشنبه ۲۶ مهرماه بود که او را بوسیدم و برای آخرین بار چهره معصومش را نظاره‌گر بودم. به‌گمانم سه‌شنبه ۶ آذرماه بود که در پیامی از دوستان متوجه بستری آقای دکتر در بیمارستان شدم و متوجه شدم که سطح هوشیاری پائینی دارند.

در اتاق دانشکده که فرش دارد و ۰۰۰ دراز بکشند و استراحت کنند که پذیرفتند. از ساعت ۱۸ تا حدود ساعت ۲۲ بیرون رفتیم و برایم شبی خاطره‌انگیز شد.



شب‌ی در اماکن تاریخی یزد

فردا صبح حدود ساعت ۰۸:۳۰ با هم به خانه ریاضیات یزد رفتیم. دکتر بسیار خوشحال بود و می‌گفت خدا را شکر که بعد از ۲۰ سال مجدد به این‌جا آمده‌ام. آلبومی که حاوی عکس‌های مراسم افتتاحیه خانه در سال ۱۳۷۹ و نمایشگاهی در سال ۱۳۸۳ بود، را برایمان آوردند و من از روی آن آلبوم، عکس‌هایی گرفتم. ساعت ۰۹:۰۰ آقای دکتر سخنرانی خودشان را با عنوان «تجربه کار تحقیقاتی و آموزشی با دانش‌آموزان و دانشجویان دوره کارشناسی» بیان کردند که بسیار جالب و شنیدنی بود. در پایان صحبت‌های آقای دکتر، من از اینکه بیشتر مستمعین مجازی بودند، گله کردم و کلاً از اوضاع و احوال آموزش و پژوهش کشور نالیدم، اما می‌دیدم دکتر امیدوارانه صحبت می‌کند و همواره می‌گفت: «درست می‌شود، ناامید نباشید».

تابلو نقره که به‌عنوان هدیه‌ای ناقابل از طرف دانشگاه یزد به ایشان داده شد، را گفتند به خانه ریاضیات یزد به‌عنوان یادبود بدهید. استاد، عاشق یاد دادن بودند و همواره در این فکر بودند که چگونه علاقمندان به ریاضیات را بیشتر کنیم. حتی بعد از این که به تهران برگشتند با تلفن نکاتی را به‌من آموختند تا بیشتر هوای خانه ریاضیات را داشته باشیم. روش‌هایی که با استفاده از آنها می‌توان دانش‌آموزان خلاق و علاقمند به ریاضی را پیدا کرد. یادم نمی‌رود که چه ساده و پدرا نه بعد از سخنرانی‌اش در خانه ریاضیات با دانش‌آموزانی که پای صحبتش بودند، هم‌صحبت شده بود و برایشان از کتب و منابع مهم المپیاد و دیگر زیبایی‌های ریاضی می‌گفت. آری، لحظه‌به‌لحظه بودن با استاد، برای من معلم درس بود، درس زندگی، درس عشق به معلمی، درس عشق به مطالعه زیاد و درس مهربانی. هرگاه که به میهمانسرا می‌رسیدیم، ساجده آن دختر کوچک خوشحال و خندان

قدیمی‌ترین مقاله مرحوم استاد در سال ۱۹۶۹ مشترکاً با استاد دکتر مهدی بهزاد با عنوان

On topological invariants of the product of graphs

در نشریه

Canad. Math. Bull. به چاپ رسیده است. مقاله با عنوان

On the forced matching numbers of bipartite graphs

که با همکاری محمد مهدیان و پیتر آدامز در نشریه Discrete Math. به چاپ رسیده است از جمله مقالات پراستاد این استاد عزیز است. استاد همواره دغدغه تربیت جوانان و سوق دادن دانش‌آموزان و دانشجویان به ریاضیات را داشت و تمام تلاش خود را در این زمینه انجام داد که همه ما از آن تلاش‌ها باخبریم. نام و یاد ایشان، علاوه بر جایگاه علمی ممتاز، همواره به‌عنوان الگویی از مهربانی، تلاش بی‌دریغ و نگاه پرامید به آینده بی‌گمان هم در خاطره‌ها و هم در آثار مکتوب باقی خواهد ماند. درگذشت این استاد را به جامعه علمی کشور و خانواده گرامی ایشان تسلیت می‌گوییم و از درگاه خداوند برای روح بلندشان رحمت بیکران را خواستارم و برای بازماندگان او صبر و آرامش را آرزو خواهیم کرد.

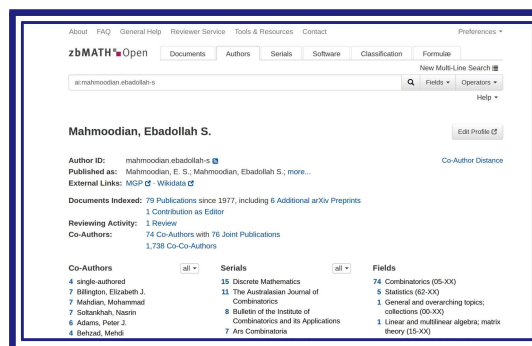
درگذشت این استاد را به جامعه علمی کشور و خانواده گرامی ایشان تسلیت می‌گوییم و از درگاه خداوند برای روح بلندشان رحمت بیکران را خواستارم و برای بازماندگان او صبر و آرامش را آرزو خواهیم کرد.

صحت موضوع را از آقایان دکتر مرتضی فتوحی و دکتر امیر جعفری جویا شدم و متوجه شدم خبر درست است. صبح شنبه ۸ دی ماه خبر فوت آقای دکتر محمودیان حال بدم را بدتر کرد. نام و یاد ایشان، علاوه بر جایگاه علمی ممتاز، همواره به‌عنوان الگویی از مهربانی، تلاش بی‌دریغ و نگاه پرامید به آینده بی‌گمان هم در خاطره‌ها و هم در آثار مکتوب باقی خواهد ماند.

اشاره کوتاهی به فعالیت‌های پژوهشی استاد

در این بخش به‌طور خیلی خلاصه به برخی فعالیت‌های تاثیرگذار استاد عزیز مرحوم دکتر محمودیان اشاره خواهیم داشت.

همانگونه که مستحضربید پایگاه‌های علمی معتبری وجود دارند که وضعیت علمی هر محقق، از جمله مرحوم دکتر محمودیان را به‌صورت دقیق نشان می‌دهد. در این جا قصد داریم بسیار خلاصه جایگاه دکتر محمودیان را از نظر پایگاه zbMATH که صرفاً جایگاه محققین در حوزه ریاضی را نشان می‌دهد را بررسی کنیم. همانگونه که در شکل زیر نشان داده شده است ایشان نزدیک به ۸۰ مقاله دارند که ۷۴ تا از آنها در حوزه ترکیبیات می‌باشد. لازم به‌ذکر است حدود ۷۵ نفر ریاضی‌دان ایرانی و خارجی با ایشان کار مشترک داشته‌اند.



صفحه دکتر محمودیان در پایگاه zbMATH

* دانشگاه یزد



سخنرانی (حضور و مجازی) در دانشکده علوم ریاضی دانشگاه یزد